



Drivers of political economy affecting the military power of the Islamic Republic of Iran

Massoud Mossadegh¹ | Marjan Badiie Azandahi^{2✉} | Rasool Afzali³ | Mohsen Moradian⁴

1. PhD student of Political Geography, Alborz Campus, Tehran University, Tehran, Iran. E-mail: M.mosaddegh@casu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: Emailmbdiie@ut.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: rafzali@ut.ac.ir

4. Assistant professor of National Defense University, Tehran, Iran. E-mail: Mohsen.moradian@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 24 March 2023

Received in revised

form 15 May 2023

Accepted 30 August

2023

Published online 5

September 2023

Keywords:

Domestic and global

political economy,

Iran's military power,

Drivers, Atlas T, I.

Micmac.

ABSTRACT

Purpose: The present research was conducted with the aim of explaining and identifying the drivers of political economy affecting the military power of the Islamic Republic of Iran.

Methodology: This research is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of nature and method. Upstream documents and library sources have been used to identify the drivers of political economy. Qualitative data analysis based on the theme analysis method (Atlas T.I software), which led to the identification of more than 270 basic themes.

Findings: After combining and summarizing, the basic themes were reduced to 64 core themes and finally 14 main categories were extracted as key drivers.

Conclusion: The results and findings of the research show that the domestic political economy has a greater effect on Iran's military power. The sequence of influence of the drivers is: geography and strategic resources, rentier government, military-industrial complexes, pillars of political power, foreign relations, geopolitical strategy, Westphalian order, oil shocks, anarchic order, foreign trade, defense diplomacy, Liberal order, globalization and international sanctions. Also, the dimensions of military power affected by political economy are: military expenses, equipment and technology, defense diplomacy, manpower, command and management and organizational structure.

Cite this article: Mossadegh, M., Badiie Azandahi, M., Afzali, R., & Moradian, M. (2023). Drivers of political economy affecting the military power of the Islamic Republic of Iran. *Defensive Future Studies*, 8(29), 161-203. DOI: 10.22034/dfs.2023.1998939.1689



پیشران‌های اقتصاد سیاسی مؤثر بر قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران

مسعود مصدق^۱ | مرجان بدیعی ازندهای^۲ | رسول افضلی^۳ | محسن مرادیان^۴

۱. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی پردیس البرز، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: M.mosaddegh@casu.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، رایانامه: Emailmbdiee@ut.ac.ir

۳. گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، نام شهر تهران، نام کشور ایران، رایانامه: rafzali@ut.ac.ir

۴. دانشگاه عالی دفاع ملی، نام شهر تهران، نام کشور ایران، رایانامه: Mohsen.moradian@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۴</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۱۴</p> <p>کلیدواژه‌ها: اقتصاد سیاسی داخلی و جهانی، قدرت نظامی ایران، پیشران‌ها، اطلس‌تی، میک‌مک</p>	<p>هدف: پژوهش حاضر که باهدف تبیین و شناسایی پیشران‌های اقتصاد سیاسی اثرگذار بر قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران انجام گردیده است.</p> <p>روش شناسی: این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از حیث ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی است. برای شناسایی پیشران‌های اقتصاد سیاسی از اسناد و مدارک بالادستی و منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی مبتنی بر روش تحلیل مضمون (نرم‌افزار اطلس‌تی. آی)، انجام که به شناسایی بیش از ۲۷۰ مضمون پایه منجر گردیده است.</p> <p>یافته‌ها: مضامین پایه پس از ترکیب و تلخیص به ۶۴ مضمون محوری تقلیل و در نهایت ۱۴ مقوله اصلی به‌عنوان پیشران‌های کلیدی استخراج شده است.</p> <p>نتیجه‌گیری: نتایج و یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، اقتصاد سیاسی داخلی اثرگذاری بیشتری بر قدرت نظامی ایران برخوردار است. ترتیب توالی اثرگذاری پیشران‌ها عبارت است از: جغرافیا و منابع استراتژیک، دولت رانتیر، مجتمع‌های نظامی - صنعتی، ارکان قدرت سیاسی، روابط و مناسبات خارجی، استراتژی ژئوپلیتیکی، نظم وستفالی، شوک‌های نفتی، نظم آنارشیک، تجارت خارجی، دیپلماسی دفاعی، نظم لیبرال، جهانی شدن و تحریم‌های بین‌المللی. همچنین ابعاد قدرت نظامی متأثر از اقتصاد سیاسی به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: هزینه‌های نظامی، تجهیزات و فناوری، دیپلماسی دفاعی، نیروی انسانی، فرماندهی و مدیریت و ساختار سازمانی.</p>

استناد: مصدق، مسعود، بدیعی ازندهای، مرجان، افضلی، رسول، مرادیان، محسن. (۱۴۰۲). پیشران‌های اقتصاد سیاسی مؤثر بر قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران. آینده‌پژوهی دفاعی، ۸(۲۹)، ۱۶۱-۲۰۳.

DOI: 10.22034/dfs.2023.1998939.1689



ناشر: دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

جنگ پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است و از گذشته تاکنون مفهوم قدرت نظامی معادل امنیت ملی تفسیر شده است. همان‌گونه که ویل دورانت تأکید می‌کند، از مجموع ۵۱۶۴ سال تاریخ مدون تمدن بشری، تنها ۳۲۹ سال، انسان در صلح و آرامش نسبی بسر برده است؛ لذا جنگ عامل اصلی تهدید علیه امنیت بشر بوده و همچنان نیز امنیت و قدرت نظامی مهم‌ترین ارکان امنیت ملی به‌شمار می‌آیند. «از نظر استراتژیک این موضوع بسیار حائز اهمیت است که هیچ کشوری حتی قدرت‌های بزرگ از حمله نظامی مصون نخواهند بود» (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۲: ۶۰).

از این‌رو قدرت نظامی به‌عنوان مهم‌ترین بُعد قدرت ملی، از عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی متأثر است؛ بدین‌سبب کنشگران عرصه سیاست و اقتصاد با طرح مفهوم متفاوتی از اقتصاد و سیاست در دو بُعد داخلی و جهانی، پارادایمی را تحت عنوان اقتصاد سیاسی^۱ به‌معنی رابطه سیاست (قدرت) و اقتصاد (ثروت) مطرح می‌کنند؛ اما در کتاب اقتصاد سیاسی آکسفورد - مفهوم جدیدی از اقتصاد سیاسی، به‌معنی به‌کارگیری روشی کارآمد و منسجم برای تحلیل رفتار نهادهای سیاسی - امنیتی و اقتصادی که در سطح ملی و جهانی فعالیت می‌کنند، ارائه‌شده است؛ آن‌چنان‌که امروز اقتصاد سیاسی از مفهوم کلاسیک خود فراتر رفته و شامل تحلیل روابط ملی و جهانی است که با استفاده از ظرفیت‌های آن می‌توان جنگ‌ها و تهدیدات نظامی، مذاکرات صلح، تحریم‌های بین‌المللی، ملی‌گرایی اقتصادی، قراردادهای بین‌المللی، مسائل مربوط به امنیت ملی، بحران‌های ژئوپلیتیکی و زیست‌محیطی، قدرت و ساختار نیروهای نظامی و مخارج و هزینه‌های آن‌ها و دلایل مسابقات و رقابت‌های تسلیحاتی را نیز موردبررسی و تجزیه‌وتحلیل قرارداد (گیلپین و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۳-۳۲)؛ بنابراین، اقتصاد سیاسی در عمل مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها و روندهای سیاسی و اقتصادی یک کشور است که بر پیکربندی قدرت ملی و امنیت نظامی اثرگذار است. با توجه به ظرفیت‌های این رویکرد و تقارن زمانی پیدایش آن با تأسیس دولت‌های مدرن (دولت - ملت‌ها) این مفهوم امروز از موارد اصلی برای تحلیل قدرت سیاسی و اقتصادی کشورهای مختلف جهان محسوب می‌شود (کلارک، ۱۳۹۶: ۱۲ و ۱۸). ابعاد اقتصاد سیاسی امروز در دو بعد داخلی و جهانی آن‌چنان با امنیت ملی و

1. Political Economy.

نظامی درهم تنیده‌اند که جدایی آن‌ها از هم امکان‌پذیر نیست؛ زیرا منطق و استدلال‌هایی جغرافیای تاریخی مستدلی وجود دارد که قدرت نظامی را همچنان ضامن و مروج خاص دولت‌های مدرن می‌داند (Waterman, 2018: 11). با توجه به مطالب مذکور اقتصاد سیاسی نه تنها روشی قدرتمند برای درک مسائل داخلی کشورها، علل نظم و یا بی‌نظمی منطقه‌ای و جهانی است، بلکه بر اساس آن می‌توان علل وقوع جنگ‌ها و تعارض بین‌المللی و جهانی را میان بازیگران مختلفی که تبیین‌کنندگان اصلی روابط قدرت و ثروت در سطح ملی و جهانی هستند را تحلیل و ادراک نمود؛ بنابراین مهم‌ترین هدف اقتصاد سیاسی تحلیل روابط قدرت میان کنشگران سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی دولتی و غیردولتی در سطوح مختلف داخلی، منطقه‌ای و جهانی است؛ به طوری که استفاده از این تحلیل‌ها می‌تواند به حل مسائل راهبردی کشورها در حوزه‌های داخلی و بین‌المللی منجر گردد؛ بنابراین آن‌چنان که می‌دانیم، اکنون جمهوری اسلامی ایران هرچند با داشتن موقعیت خاص ژئوپلیتیکی، منابع سرشار انرژی و جمعیت فعال به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قدرت‌های منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا شناخته می‌شود، اما در کانون جغرافیا و ژئوپلیتیک بحران و تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز قرار دارد و تاکنون مسائل و چالش‌های پیچیده و متفاوت امنیتی و نظامی را تجربه کرده است؛ امنیت ملی ایران همچنان متأثر از انواع تهدیدات نرم و سخت بوده و ناامنی‌ها و اختلافات پیرامونی، بحران‌های ژئوپلیتیکی، رقابت‌های تسلیحاتی منطقه‌ای و جنگ‌های داخلی سوریه، یمن و تهاجم نیروهای آمریکایی به عراق و افغانستان و مداخله نظامی نیروهای آن‌ها در منطقه، ظهور گروه‌های تروریستی، روند طولانی تحریم‌های بین‌المللی و مناقشه هسته‌ای ایران، جنگ روسیه و اوکراین از یک سو و اتخاذ سیاست‌های خاص جمهوری اسلامی ایران در حوزه ایدئولوژی و آرمان‌گرایی، آمریکاستیزی و مقابله با صهیونیست و قرار گرفتن در اردوگاه شرق مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی است که به تولید و بازتولید فضای پرتنش و نایمن در منطقه افزوده و بر آن دامن می‌زند؛ بنابراین فضای آنارشیک نظم جهانی و محیط آسیب‌پذیر جنوب غرب آسیا که پیوسته در حال حرکت به سوی عدم قطعیت است، سبب افزایش نگرانی‌های امنیتی و نظامی برای تمام کشورهای منطقه و ایران را تداعی می‌کند، به طوری که پرداختن به موضوع قدرت و امنیت نظامی را اجتناب‌ناپذیر کرده است؛ زیرا قدرت نظامی همچنان به‌عنوان مهم‌ترین رکن اساسی قدرت ملی که از عوامل مختلف از جمله اقتصاد سیاسی متأثر است، تأمین‌کننده اصلی امنیت ملی کشورهای مختلف جهان

و از جمله ایران بوده و از اهمیت و ضرورت مضاعفی برخوردار است؛ بنابراین هدف اصلی در این پژوهش شناسایی پیشران‌های اقتصاد سیاسی اثرگذار بر قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران است؛ لذا به منظور تحقق این هدف، پاسخگویی به این پرسش اصلی نیز ضروری است که پیشران‌های اقتصاد سیاسی داخلی و جهانی مؤثر بر قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران کدامند و چگونه بر قدرت نظامی ایران اثرگذار خواهند بود؟

مبانی نظری و پیشینه‌های پژوهش

مبانی نظری

الف) پیشران‌ها

پیشران‌ها^۱ به مجموعه‌ای از عوامل، نیروهای عمده یا متغیرهای کلیدی شکل‌دهنده یک سیستم اشاره دارد. پیشران‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند بر سیستم‌های مختلف اثرگذار باشند. به عبارت دیگر، پیشران‌ها عبارت‌اند از مؤلفه‌ها و یا عوامل اصلی که از چند روند یا متغیر تشکیل شده و باعث ایجاد حرکت و یا تغییر مسیر در سیستم می‌شوند. این نکته بسیار مهم است که اثرگذاری پیشران‌ها هرچند بر هر یک از اجزای سیستم متفاوت است، اما بر تمام آن به عنوان یک واحد یکپارچه اثرگذار است (ایوبی پور و عیوضی، ۱۳۹۸: ۳۹۸). در تعریفی دیگر باید گفت: پیشران‌ها عواملی هستند که بر فعالیت یک‌نهاد (سیستم) تأثیر دارند و می‌توانند اهداف آن را تغییر دهند. پیشران‌های کلیدی در سطح کلان قابل بررسی بوده و به محرک‌های اطلاق می‌شود که دامنه تأثیر آن‌ها از رویدادهای مادی، نفوذی، سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی ناشی می‌شود. پیشران‌های کلان در یک‌زمان مشخص می‌توانند بر مناطق جغرافیایی و مردم، بازار (اقتصاد) و سیاست اثرگذارند. ماهیت و جنس پیشران‌ها، اغلب شامل رویدادهای بزرگ مانند جنگ‌ها، توافقنامه‌های تجاری، تحریم‌های اقتصادی، عملکرد اتحادیه‌ها و پیمان‌های سیاسی - امنیتی و نظامی و همچنین رویدادها و یا بحران‌های ژئوپلیتیکی است.

ب) اقتصاد سیاسی و ابعاد آن:

کنشگران نظریه واقع‌گرای که بر سیاست بین‌الملل تأکید دارند، تعاملات اقتصاد سیاسی را در هر دو عرصه داخلی و جهانی تعریف می‌کنند. تمایز میان دو حیطه داخل و خارج معطوف به بنیان‌های نظری شکل‌گیری دولت ملی مستقل است. هرچند امروز به سبب

گسترش فناوری و ارتباطات بین‌المللی، تمایز میان داخل و خارج به شدت تحت تأثیر فرایند جهانی‌شدن قرار گرفته و مرزهای ارزش مرزهای جغرافیایی در حال تغییر و تحول است، اما دولت‌ها همچنان در روابط سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی حضوری فعال و قدرتمند دارند. به باور واقع‌گرایان و شواهد تاریخی، سرنوشت یک کشور و مشارکت آن در قلمروی سیاست و اقتصاد جهانی به شدت متأثر از تصمیمات سیاسی داخل مرزهای جغرافیایی آن کشور ناشی می‌شود؛ اما وجوه سیاسی این تصمیم‌گیری‌ها اغلب تحت تأثیر منافع و یا ایدئولوژی گروه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی از جمله حاکمان، نخبگان سیاسی، نظامیان، روحانیون و حتی افراد یا گروه‌های بسیار ثروتمند قرار دارد. کشمکش میان این گروه‌ها علاوه بر آثار درونی دارای اثرات بیرونی نیز است؛ ارکان و منابع قدرت سیاسی و مناسبات آن با اقتصاد، منابع، درآمدها و عواید مالی دولت، مخارج و هزینه‌های آن، میزان صادرات، نظام مالیاتی، نرخ‌های بهره، تصمیمات مربوط به تعرفه‌های گمرکی، منابع استراتژیک انسانی و طبیعی و روابط و مناسبات سیاسی و اقتصادی با سایر دولت‌ها تنها بخشی از عوامل اقتصاد سیاسی داخلی محسوب می‌شوند؛ بنابراین حاصل کار اقتصاد سیاسی ملی^۱ یا داخلی، برآیند دو مؤلفه یعنی، تعیین روابط و مناسبات بازیگران سیاسی و منافع گروه‌های سیاسی داخلی و همچنین میزان استقلال عمل رهبران دولتی از این گروه‌ها است (لارسون و اسکیدمور، ۱۳۹۳: ۱۰).

علاوه بر حوزه اقتصاد سیاسی داخلی، در عرصه اقتصاد سیاسی مناسباتی برقرار است که به‌رغم میل و خواسته دولت‌ها بر روندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی جامعه تأثیرگذار است. این دسته از مناسبات که خارج از اقتصاد سیاسی داخلی قرار می‌گیرند، تحت عنوان «اقتصاد سیاسی جهانی»^۲ شناخته می‌شوند. در واقع دولت‌های گوناگون از طریق مذاکره و یا توافق با یکدیگر وارد تعاملات سیاسی، اقتصادی و تجاری می‌شوند. بر این اساس، مناسبات بین دولت‌ها بر میزان قدرت و نفوذ سیاسی کشورهای درگیر به دو شکل اثرگذار است: نخست، مناسبات اقتصادی میان دولت‌های قوی که از جایگاهی ممتاز در عرصه مناسبات جهانی برخوردارند و از طریق ایجاد نهادهای همکاری دو یا چندجانبه، به تثبیت و ارتقاء نقش اقتصادی و سیاسی خود می‌پردازند؛ دوم، مناسبات

1. Domestic Political Economy.

2. Global Political Economy.

میان دولت‌های قوی و ضعیف (ارتباط شمال و جنوب) که در دوران سرمایه‌داری به اشکال مختلفی از جمله امپریالیسم و جهانی‌شدن اقتصاد قابل مشاهده است (گیلپین و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۷-۱۳۶). در نتیجه، تعاملات اقتصادی و سیاسی دارای دو بُعد اصلی درون ملی (داخلی) و جهانی است که ابعاد و مؤلفه‌های هر دو به‌شکلی ویژه بر امنیت و قدرت نظامی اثرگذارند.

ج) رهیافت نظری به رابطه اقتصاد سیاسی و قدرت نظامی

در نظریه‌های روابط بین‌الملل سه رویکرد متفاوت اقتصادگرا (لیبرالیسم)، سیاست‌گرا (رنالیست) و مارکسیسم وجود دارد (مرشایمر، ۱۳۹۸: ۲۳۵). در رویکرد رئالیستی اقتصاد سیاسی، نظریه نوواقع‌گرایی، سرنوشت نظام بین‌الملل را به‌شکلی درمان‌ناپذیر اقتدارگرای می‌داند؛ دولت‌ها در چنین نظامی ضمن اینکه پاسخ‌گوی هیچ مرجع بالاتری نیستند، باید برای بقای خود بکوشند. واقع‌گرایی تأکید دارد که دولت‌ها پیوسته سعی در حال افزایش قدرت ملی خود با تکیه بر قدرت نظامی هستند؛ بنابراین سیاست، نوعی بازی با حاصل جمع صفر و قهرماً ستیزآلود است. تأکید واقع‌گرایی سنتی و نوین بر سیاست نظامی به‌عنوان سیاست عالی قرار دارد؛ به‌طوری‌که جان میرشایمر^۱ نیز تأکید می‌کند: «هر چه یک دولت از نظر نظامی بر دیگر دولت‌ها برتری بیشتری داشته باشد، درامان‌تر خواهد بود. هر دولتی دوست دارد پرهیبت‌ترین قدرت نظامی در نظام بین‌الملل را در اختیار داشته باشد؛ زیرا این بهترین راه برای تضمین بقا در جهانی است که می‌تواند بسیار خطرناک و تهدیدآمیز باشد» (Maersheimer, 1994: 5).

اندیشه لیبرالیسم هرچند حوزه اقتصاد و سیاست را دو موضوع جدا از هم دانسته و بازارهای آزاد جهانی را سبب کاهش درگیری‌های نظامی و جنگ تلقی می‌کند، اما موضوع امنیت ملی را بر عهده دولت‌های ملی گذاشته و بر رسالت دولت برای تشکیل ارتش‌های منظم که امری ضروری است، تأکید دارد. مارکسیست‌ها نیز میان اقتصاد سیاسی و جنگ رابطه مستقیم قائل‌اند و بر آن تأکید دارند. از نظر مارکس و انگلس، جنگ‌ها یا همان خشونت سازمان‌یافته، نیرنگی از جانب طبقه حاکم برای انحراف توجهات عمومی از

^۱. جان میرشایمر (Maersheimer)، از جمله نظریه‌پردازان رئالیسم تهاجمی است که صلح طولانی در دوران جنگ سرد را محصول دنیای دوقطبی، توان نظامی دو ابرقدرت، موازنه قوا و وجود تسلیحات هسته‌ای می‌داند.

مشکلات داخلی است؛ در صورتی که نتایج جنگ به دلخواه طبقه حاکم پیش نرود، فرصت لازم برای سرنگونی آن‌ها فراهم شده که کارگران باید از آن استفاده کنند (ابرین و ویلیامز، ۱۳۹۸: ۵۹۱-۵۹۰). در نهایت باید گفت: رهیافت‌های سه‌گانه اقتصاد سیاسی بر رابطه میان اقتصاد سیاسی، امنیت و قدرت نظامی تأکید و اتفاق نظر دارند.

د) قدرت نظامی و ابعاد آن

قدرت نظامی را قدرت تمام نیروهای مسلح یک کشور همراه با سایر ابعاد قدرت ملی مانند قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روانی تعریف می‌کنند. این قدرت متکی بر منابع استراتژیک، امکانات صنعتی، جمعیت و همچنین تأثیر کیفیت و تعداد اتحادهای سیاسی - نظامی است (رستمی، ۱۳۶۸: ۶۲۸) «باید توجه داشت که قدرت نظامی یکی از مهم‌ترین ابعاد قدرت ملی است که در چارچوب استراتژی دفاعی، دکترین نظامی، فناوری و صنایع نظامی و سلاح‌ها و تجهیزات جنگی، فرماندهی، بودجه نظامی، کمیت و کیف کارکنان نیروهای مسلح، سطح آموزش کارکنان، پایگاه‌های نظامی داخلی و خارجی، قدرت لجستیک و تحرک نیروها قابل تحلیل است» (قاضی‌زاده، ۱۳۹۹، ۱۴۲). با توجه به مطالب مذکور در این پژوهش قدرت نظامی با استفاده از یک مدل شش بُعدی به شرح نمودار شماره ۱، یک قابل تعریف است.



پیشینه‌های پژوهش

احتشامی، انوشیروان (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «اقتصاد سیاسی، جنگ و انقلاب» به بررسی سیر تحولات ژئوپلیتیکی در منطقه خلیج فارس پرداخته است. او با تأکید بر اقتصاد سیاسی نفت، آن را عامل اصلی قدرت و رقابت و جنگ را عامل اصلی تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه خلیج فارس می‌داند. از دیدگاه او عراق به‌عنوان کاتالیزور ناامنی معرفی شده و آزادسازی کویت در ۱۹۹۱ سبب تقویت حضور نظامی آمریکا و احداث پایگاه‌های لجستیکی در بحرین، عمان، کویت، امارات و البته عربستان گردید است. این روند سبب افزایش تنش دائمی و رقابت میان کشورهای منطقه، حضور و مداخله نظامی آمریکا و

در مجموع سبب ناامنی شدن پایدار در منطقه خلیج فارس گردیده است. این کتاب تشریحی کاملی از اقتصاد سیاسی کشورهای منطقه خلیج فارس است که نشان می‌دهد حیات سیاسی آن‌ها چگونه با جنگ و انقلاب گره خورده است؛ بیکی، میشل^۱ (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «توسعه اقتصادی و اثربخشی نظامی»^۲ به این پرسش پاسخ می‌دهد که چه عواملی باعث می‌شود برخی کشورها از نظر نظامی از سایر کشورها قدرتمندتر باشند؟ یافته‌های تحقیق او برخی از عوامل «غیرمادی» را به‌طور قابل توجه بر توانایی نظامی یک کشور مؤثر می‌داند؛ اما نتیجه کلی حاکی از آن است که قدرت نظامی یک کشور ناشی از توسعه اقتصادی، عوامل مادی و توجه به مؤلفه‌های اقتصاد کلان است؛ او - گلدمن امیلی و لئو جی بلانکن^۳ در تحقیقی دیگر با عنوان «مبانی اقتصادی قدرت نظامی»^۴ (۱۳۹۱) که در دانشگاه کالیفرنیا انجام شده است، فرضیه اساسی خود را بر مبنای نظریه رئالیستی در خصوص موقعیت ممتاز دولت به‌عنوان منبع اصلی تأمین امنیت که از توانایی به‌کارگیری خشونت در این راستا نیز برخوردار است، آغاز کرده و توضیح می‌دهند که چگونه فناوری اطلاعاتی، حمل‌ونقل و فرایند جهانی شدن تا چه میزان بر مزیت‌های نسبی دولت‌ها در انباشت سرمایه و کسب قدرت تأثیر داشته است. یافته‌های این پژوهش بر این موضوع تأکید دارد که هرچند تروریسم پدیده جدیدی نیست اما دامنه تخریب و ویرانگری آن به‌شدت افزایش یافته است؛ بنابراین بازدارندگی، دفاع ملی و قدرت نظامی که دولت‌ها با توجه به ابزارهای اقتصادی آن را کسب می‌کنند، آسیب‌پذیر شده‌اند؛ بنابراین امنیت ملی کشورهای مختلف جهان تحت‌الشعاع اقدامات گروه‌های مسلح غیردولتی در حال متحول شدن است، لذا ضرورت دارد به مؤلفه‌های سازنده قدرت نظامی بر اساس اقتصاد توجه کرد؛ جعفری‌نیا، عباس و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل شاخص-های قدرت نظامی، واحدهای سیاسی - جغرافیایی در عرصه بین‌الملل»، قدرت نظامی را یکی از عناصر بنیادین سیاست بین‌الملل می‌داند که ابعاد آن همواره مورد توجه دولت-هاست. این پژوهش تأکید دارد که توانایی و قدرت نظامی، معیار نهایی قدرت ملی است؛ از این رو اثربخشی نیروهای نظامی را می‌توان به‌عنوان برآورد نهایی قدرت ملی تعریف کرد؛

1. Michael Beckley.

2. Economic Development and Military Effectiveness.

3. O. Goldman, Emily and Leo J. Blanken.

4. THE ECONOMIC FOUNDATIONS OF MILITARY POWER.

نجفی، سجاد و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان تبیین مهم‌ترین نیروهای پیشران تأثیرگذار بر قدرت دفاعی ایران در افق زمانی ۱۴۱۰ که به روش پنل خبرگی انجام گردیده است، پنج پیشران کلیدی شامل: ایجاد فرماندهی مشترک منطقه‌ای در نیروهای مسلح ایران؛ ارتقاء وضعیت معیشتی و کیفیت زندگی کارکنان نیروهای مسلح و خانواده آن‌ها؛ کیفیت طرح‌ریزی نظامی؛ توسعه صنایع موشکی و هوشمند سازی تسلیحات و حضور نظامی نیروهای فرمانطقه‌ای در محیط پیرامونی ایران را از مهم‌ترین پیشران‌های اثرگذار بر قدرت دفاعی کشور می‌داند.

با توجه به مطالب مذکور پیشینه‌ای که به‌طور مستقیم و مشخص به هر دو موضوع «پیشران‌های اقتصاد سیاسی» و «قدرت نظامی ایران» پرداخته باشد، وجود ندارد؛ از طرفی دیگر تاکنون مدلی برای تبیین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های اقتصاد سیاسی ارائه نگردیده است؛ درحالی‌که نتایج بخش کیفی این پژوهش دال بر ارائه یک مدل منسجم برای تبیین پیشران‌های اقتصادی سیاسی است؛ بنابراین پژوهش حاضر علاوه بر تبیین تأثیر پیشران‌های اقتصاد سیاسی بر قدرت نظامی از نظر ارائه مدلی برای پیشران‌های اقتصاد سیاسی جدید و منحصر به فرد است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از حیث ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی است. برای شناسایی پیشران‌های اقتصاد سیاسی مؤثر بر قدرت نظامی از اسناد و مدارک بالادستی مانند قانون اساسی و منابع کتابخانه‌ای استفاده گردیده است؛ برای تجزیه و تحلیل متون از روش تحلیل تماتیک (تحلیل مضمون) تحت نرم‌افزار اطلس‌تی. آی استفاده شده است. این روش برای شکستن متون و اکتشاف مقولات و مفاهیم جدید و فراگیر بسیار سودمند است. در این روش داده‌های کیفی که به ارائه شبکه مضامین می‌انجامد، شامل سه مرحله زیر است: الف- مضامین پایه^۱ (مطالب استخراج شده از متن؛ شامل: روایت‌ها، کدها و نکات کلیدی متن)؛ ب- مضامین سازمان دهنده^۲ (مقولاتی که از ترکیب و تلخیص مضامین پایه حاصل می‌شوند)؛ ج- مضامین فراگیر^۳ (مضامین عالی که دربرگیرنده اصول حاکم بر موضوع بوده و به‌عنوان یک کل مدنظر قرار می‌گیرد) (Braun

1. Basic Themes

2. Organizing Themes

3. Global Themes

(Clarke, 2006, 83). برای تعیین روایی روند اکتشاف پیشران‌های اقتصاد سیاسی از منابع معتبر کتابخانه‌ای شامل (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور، کتب و مقالات علمی) استفاده گردیده است. همچنین برای محاسبه پایایی از ضریب هولستی (درصد تعیین توافق) استفاده شده است: در این رابطه M تعداد کل موارد کدگذاری مشترک دو کدگذار اول و دوم است. بنابراین N_1 و N_2 به ترتیب تعداد موارد کدگذاری شده توسط کدگذار اول و دوم است. مقدار (PAO) بین صفر (عدم توافق) و یک (توافق کامل) متغیر است و چنانچه رابطه $(PAO > 0/8)$ برقرار باشد، پایایی کدگذاری تأیید می‌گردد (Holsti, 1969).

$$PAO = \frac{2M}{(N_1 + N_2)} = \frac{2(206)}{(270 + 240)} = 0/81$$

برای اندازه‌گیری تأثیر پیشران‌های اقتصاد سیاسی بر قدرت نظامی از تحلیل تأثیر متقابل که یک روش کاملاً نیمه کمی و ساختار یافته است در تحت نرم‌افزار میک‌مک استفاده شده است. این روش برای انجام محاسبه ماتریس‌های بزرگ است که بر اساس آن اثرات متقابل متغیرهای پژوهش در یک کلان سیستم به صورت خرده نظام‌های مختلف موردسنجش و تحلیل قرار می‌گیرد (ستاری‌خواه، ۱۳۹۸: ۷۲). سپس با ایجاد ماتریس تأثیرات مستقیم (MDI) با ابعاد $(N \times N)$ که دربرگیرنده متغیرهای ساختاری سیستم است میزان اثرگذاری و اثرپذیری میان متغیرها مشخص می‌شود. تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرها منطبق بر یک طیف چهارگزینه‌ای با مقادیر (صفر تا ۳) به شرح: (صفر = بدون تأثیر)، (۱ = تأثیر کم)، (۲ = تأثیر متوسط) و (۳ = تأثیر زیاد) محاسبه می‌شود. جامعه نمونه پژوهش تعداد ۳۷ نفر از استادان علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، اقتصاد، جغرافیای سیاسی و مدیریت دفاعی دانشگاه‌های نظامی و غیرنظامی کشور است که به روش غیر احتمالی هدفمند انتخاب شده‌اند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف: شناسایی پیشران‌ها (داده‌های کیفی)

تجزیه و تحلیل داده‌ها در مرحله کیفی در سه سطح (مضامین پایه، مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر) به شرح زیر انجام شده است: کدگذاری کدگذار اول و دوم با شناسایی بیش از ۲۷۰ کدباز (مضامین پایه یا روایت‌ها) اقدام و با تلخیص و ترکیب مضامین پایه ۶۴

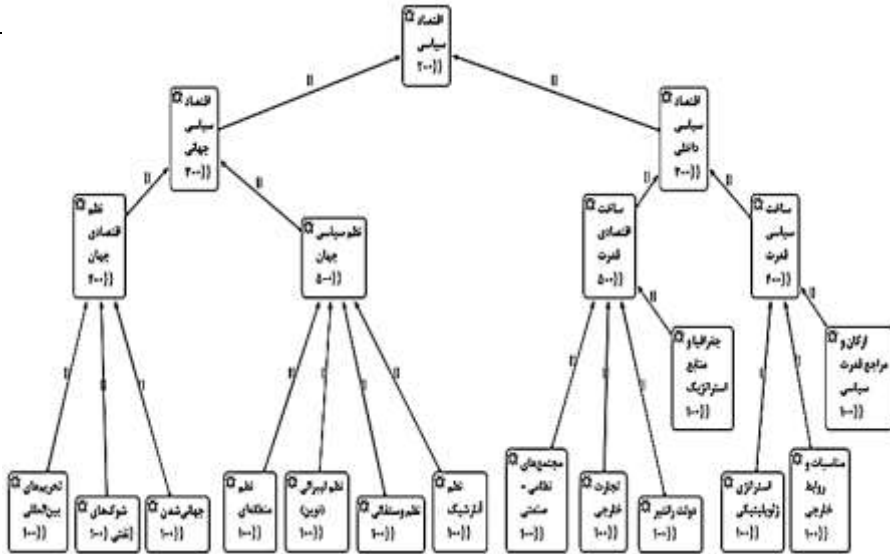
1. Percentage of Agreement Observation.

2. Matrix Potential Indirect.

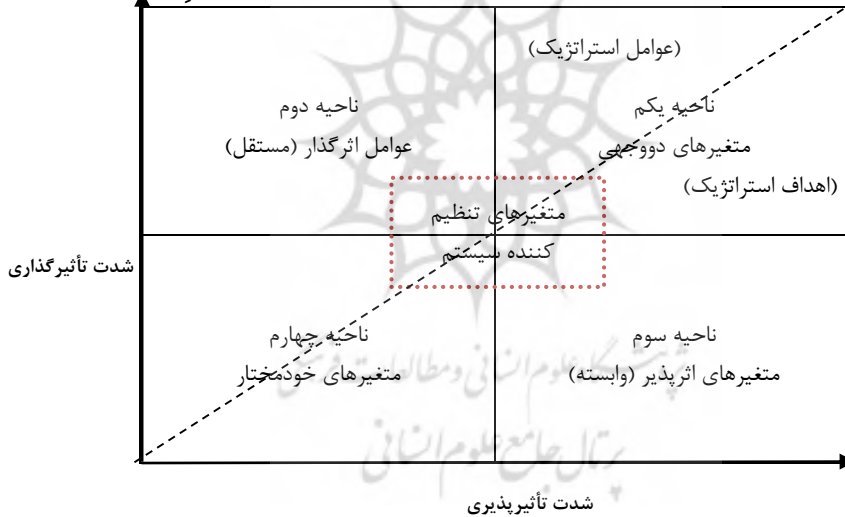
مضمون محوری یا مضامین سازمان دهنده استخراج شده است؛ در نهایت تعداد ۱۴ مضمون فراگیر (پیشران‌های اقتصاد سیاسی) مشخص گردیده‌اند. نمودار شماره ۲، بیانگر شبکه مضامین (پیشران‌های اقتصاد سیاسی مؤثر بر قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران) است.

ب) تشکیل ماتریس تأثیر متقابل و تحلیل آن

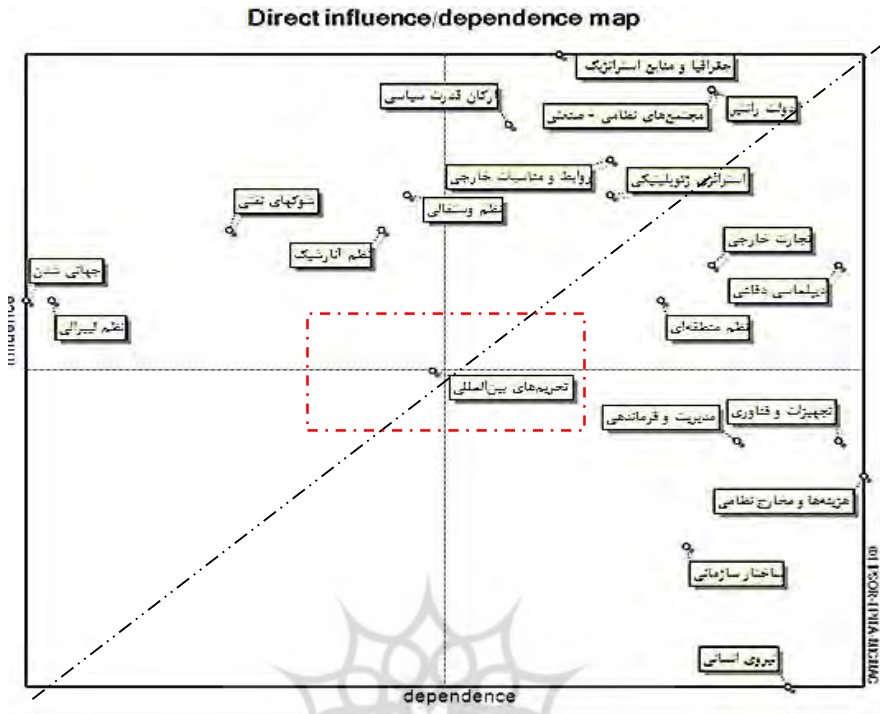
پس از شناسایی ۱۴ پیشران کلیدی اقتصاد سیاسی در بخش کیفی، با ورود آن‌ها به نرم‌افزار میک‌مک ماتریس تأثیر متقابل در ابعاد 20×20 برای سنجش آثار متقابل پیشران‌های اقتصاد سیاسی داخلی و جهانی بر قدرت نظامی تشکیل و پاسخ‌های دریافتی از مشارکت‌کنندگان، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج خروجی را می‌توان طی یک روش نظامند استاندارد شده بر اساس نقشه مختصاتی (شکل ۳) تفسیر کرد: پیشران‌های ناحیه ۱ (شمال شرقی نقشه مختصاتی)، دارای تأثیر دوجبهی بر متغیر وابسته هستند؛ یعنی هم‌زمان به‌صورت تأثیرگذار و تأثیرپذیر عمل می‌کنند. طبیعت این متغیرها ناپایداری است و خود به دودسته از پیشران‌های استراتژیک و هدف تقسیم می‌شوند؛ یعنی علاوه بر نقش کنترل‌کننده هرگونه تغییر در سیستم، وابسته به تغییر در آن‌ها است؛ متغیرهای ناحیه دوم (شمال غربی نقشه مختصاتی) این متغیرها تحت عنوان پیشران‌های مستقل یا اثرگذار شناخته شده و بر کل سیستم اثرگذارند؛ متغیرهای تأثیرپذیر یا وابسته که در ناحیه سوم (جنوب شرقی نقشه مختصاتی) واقع شده‌اند. این عوامل خروجی سیستم محسوب می‌شوند؛ متغیرهای خودکنترل که در ناحیه چهارم (جنوب غربی نقشه) قرار دارند به‌علت تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کم، باید از سیستم خارج شوند؛ متغیرهای تنظیم‌کننده سیستم نیز در مرکز نمودار قرار می‌گیرند.



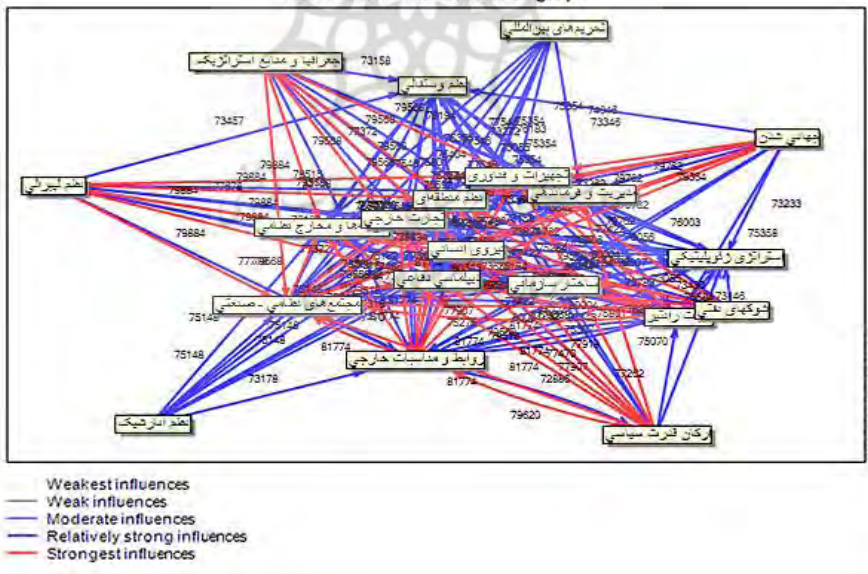
نمودار (۲) شبکه مضامین پیشران‌های اقتصاد سیاسی مؤثر بر قدرت نظامی ج.ا.ایران - مستخرج از اطلس تی. آی



نمودار (۳) الگوی استاندارد تفسیر پیشران‌های کلیدی پژوهش



شکل (۱) نقشه تأثیر و وابستگی مستقیم پیشران‌های اقتصاد سیاسی بر قدرت نظامی
Potential indirect influence graph



شکل (۲) گراف تأثیر غیرمستقیم پیشران‌های اقتصاد سیاسی بر قدرت نظامی

اولویت‌بندی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پیشران‌ها به شرح جدول شماره ۱: است.

جدول (۱) رتبه‌بندی میزان اثرگذاری و اثرپذیری پیشران‌ها بر قدرت نظامی ج.ا.ایران

ردیف	پیشران‌ها	نوع متغیر	جنس متغیر	آثار مستقیم		آثار بالقوه	
				اثرگذاری	تأثیرپذیری	اثرگذاری	تأثیرپذیری
۱	جغرافیا و منابع استراتژیک	دووجهی (عامل استراتژیک)	داخلی	۵۲	۴۵	۴۷۵۵۶۱۲	۴۰۴۲۷۴۰
۲	دولت رانتیر	دووجهی (عامل استراتژیک)	داخلی	۵۱	۵۱	۴۶۷۰۰۲۷	۴۵۷۱۷۰۹
۳	مجتمع‌های نظامی / صنعتی	دووجهی (عامل استراتژیک)	داخلی	۵۱	۵۱	۴۶۶۴۰۸۶	۴۷۴۸۸۶۲
۴	ارکان قدرت سیاسی	دووجهی (عامل استراتژیک)	داخلی	۵۰	۴۳	۴۵۷۴۸۹۲	۳۹۱۸۱۶۵
۵	روابط و مناسبات خارجی	دووجهی (هدف استراتژیک)	داخلی	۴۹	۴۷	۴۵۳۶۰۴۹	۴۳۵۱۱۷۲
۶	استراتژی ژئوپلیتیکی	دووجهی (عامل استراتژیک)	داخلی	۴۸	۴۷	۴۴۰۹۴۹۶	۴۵۲۲۵۱۴
۷	نظم وستفالی	مستقل	جهانی	۴۸	۳۹	۴۳۸۳۰۳۶	۳۶۰۳۵۶۳
۸	شوک‌های نفتی (قیمت جهانی نفت)	مستقل	جهانی	۴۷	۳۲	۴۳۴۸۰۲۰	۲۸۹۸۹۲۹
۹	نظم آنارشیک	مستقل	جهانی	۴۷	۳۸	۴۳۲۹۳۷۳	۳۶۲۱۸۲۰
۱۰	تجارت خارجی	دووجهی (هدف استراتژیک)	داخلی	۴۶	۵۱	۴۲۶۵۰۸۶	۴۵۷۷۳۸۹
۱۱	دیپلماسی دفاعی	دووجهی (هدف استراتژیک)	داخلی	۴۶	۵۶	۴۲۱۷۶۱۱	۵۱۴۵۳۰۵
۱۲	نظم لیبرالی	مستقل	جهانی	۴۵	۲۵	۴۱۵۵۵۹۹	۲۲۱۸۹۷۴
۱۳	جهانی‌شدن	مستقل	جهانی	۴۵	۲۴	۴۱۰۳۷۲۲	۲۱۰۶۰۵۰

۴۴۸۰۹۳۰	۴۱۱۶۲۱۴	۴۹	۴۵	جهانی	دووجهی (هدف استراتژیک)	نظم منطقه‌ای	۱۴
۳۵۷۰۷۸۶	۳۹۲۸۶۸۸	۴۰	۴۳	جهانی	تنظیم‌کننده سیستم (عامل استراتژیک)	تحریم‌های بین‌المللی	۱۵

یافته‌های پژوهش

این تحقیق با تأکید بر اصول نظریات رئالیستی که قدرت نظامی را مهم‌ترین رکن قدرت ملی می‌داند، به شناسایی و چگونگی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پیشران‌های اقتصاد سیاسی داخلی و جهانی بر قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران پرداخته که نتایج زیر حاصل گردیده است.

(۱) جغرافیا و منابع استراتژیک و قدرت نظامی ایران

بنا به تعریف، «منابع استراتژیک^۱ به وضعیت جغرافیا، توده سرزمین، جمعیت، توپوگرافی، صنایع و فناوری‌های کلان و همچنین زیرساخت‌های قابل توسعه یک کشور اطلاق می‌شود که نقش مهمی در وضعیت نظامی و تعیین سرنوشت جنگ داشته باشند» (Jun & Kung, 2022). جغرافیا و منابع استراتژیک کشور به‌عنوان یک پیشران دووجهی- استراتژیک از طریق ظرفیت‌های جغرافیایی (انسانی و طبیعی) مانند موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی، جمعیت کشور، شبکه‌های ارتباطات زمینی، دریایی و هوایی، منابع اثبات‌شده انرژی و انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای بر قدرت نظامی ایران دارای بیشترین اثرگذار است.

ایران از لحاظ وسعت هفدهمین کشور بزرگ دنیا است. جغرافیای طبیعی ایران به لحاظ قرار جهت گرفتن ارتفاعات، دفاع سرزمینی و آمایش یکان‌های نیروهای مسلح را تسهیل می‌کند. از طرف دیگر جمعیت کل کشور که اکثراً در مناطق کوهستانی ساکن‌اند، یکی از عوامل قدرت نظامی محسوب می‌شوند. شواهد تاریخی بسیاری درباره ویژگی‌های جمعیتی و چگونگی اثر آن بر قدرت نظامی در اختیار است؛ اگرچه رشد جمعیت به‌تنهایی باعث افزایش قدرت نظامی نیست؛ اما برای برآورد تأثیر جمعیت بر قدرت نظامی باید به‌اندازه، ترکیب، نسبت جنسی، نرخ رشد جمعیت، تعداد کارکنان نیروهای مسلح، سن خدمت

1. Strategic resources

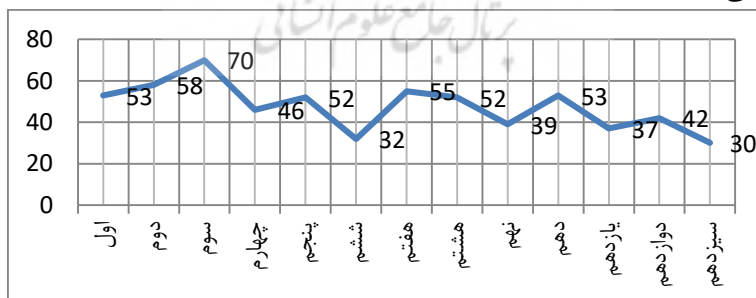
۱۲۷. نظام‌وظیفه و تعداد نیروهای ذخیره توجه کرد. پویایی جمعیت (کیفیت)، نیز برای ایجاد قدرت نظامی جنبه حیاتی دارد؛ زیرا هرگونه تغییرات جمعیتی بر توازن قدرت میان کشورهای مختلف جهان اثرگذار است. ظرفیت‌های جمعیتی ایران برای دفاع در جدول شماره ۲، خلاصه شده است.

جدول (۲) رتبه‌بندی قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران بر اساس عامل جمعیت (نیروی انسانی) در سال ۲۰۲۲

(Globalfirepower.com:2022)

ردیف	شاخص	مقادیر	نسبت به کل جمعیت	رتبه جهانی
۱	جمعیت کل کشور	۸۵۸۸۸۹۱۰	--	۱۷
۲	نیروی کار فعال	۴۸۰۹۷۷۹۰	%۴۷	۱۴
۳	نیروی آماده به خدمت	۴۰۳۶۷۷۸۸	%۴۷	۱۳
۴	رسیدن به سن سالمندی (سالانه)	۱۳۷۴۲۲۳	%۱,۶	۱۶
۵	تعداد کل کارکنان نظامی	۱۰۱۵۰۰۰	%۱,۲	-
۶	کارکنان فعال نظامی	۵۷۵۰۰۰	%۰,۷	۷
۷	کارکنان ذخیره	۳۵۰۰۰۰	%۰,۴	۱۲
۸	نیروهای شبه نظامی (بسیج)	۹۰۰۰۰	%۰,۱	۲۲

از نکات حائز اهمیت دیگر درباره اثرگذاری جمعیت بر توان نظامی، داشتن جمعیت یکپارچه و همسو با حاکمیت است. این موضوع سبب افزایش ثبات سیاسی و امنیت در تمام کشورهای دنیا می‌شود. یکی از راه‌های سنجش وفاداری نیروهای اجتماعی (جمعیت)، میزان مشارکت سیاسی واجدین شرایط رأی‌گیری، نسبت به تعداد مشارکت‌کنندگان رسمی است؛ نمودار شماره ۵ که بیان‌گر نتایج رسمی ۱۳ دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران است، کاهش نسبی مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری را نشان می‌دهد.



نمودار (۵) درصد مشارکت مردم در سیزده دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران

(خانی جوی آباد، ۱۳۹۹، ۴۶۶ و بررسی‌های پژوهشگر)

یکی دیگر از منابع استراتژیک کشور وجود منابع غنی نفت و گاز است. اطلاعات منتشر شده توسط وزارت نیرو در ترازنامه انرژی کشور (۱۳۹۹)، عمر ذخایر نفتی ایران را ۱۰۸ سال برآورد کرده است (ترازنامه انرژی، ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹: ۱۴). لذا ایران با برخورداری از ۱۵۷ میلیارد بشکه ذخایر نفتی و ۳۳ تریلیون مترمکعب گاز در مجموع ۳۶۳۶/۵ میلیارد بشکه نفت خام دارای رتبه نخست ذخایر هیدروکربن در جهان است (قاضی‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۸۳). با توجه به حجم ذخایر اثبات‌شده انرژی، دولت ایران باید ظرفیت‌های تولیدی خود را افزایش دهد. بر اساس تعریف تری‌لین، منظور از افزایش ظرفیت دولت، حاصل جمع توانایی‌های مادی دولت در کنترل، استخراج و تخصیص منابع و همچنین توانایی سیاسی در ایجاد، اجرا و تنفیذ تصمیمات ملی است (پاشنگ، ۱۴۰۰: ۱۵). در حال حاضر ایران به لحاظ مسائل فنی و تحریم‌ها برای استخراج و تولید نفت و گاز با محدودیت‌های زیرساختی مواجه است. این در حالی است که می‌دانیم، منابع طبیعی به‌ویژه نفت و گاز از کالاهای استراتژیک محسوب شده و همواره از قابلیت لازم برای تبدیل به قدرت مالی، سیاسی و نظامی برخوردارند (اطاعت و نصرتی، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

از ظرفیت‌های دیگر استراتژیک ایران، برخورداری از ۲۴ جاده بین‌المللی، ۵ مرز ریلی و ۱۱ بندر تجاری است. شبکه‌های ارتباطی، علاوه بر این که افزایش درآمدهای ارزی را ممکن می‌کند (نیلی و همکاران، ۲۳۳-۲۳۲: ۱۳۹۶)، دارای آثار مثبت دیگری مانند توسعه وضعیت نیروهای مسلح در گستره سرزمین در زمان وقوع بحران، لجستیک نظامی و تسهیل در امر فرماندهی و کنترل، است. داده‌های مندرج در جدول شماره ۳، مربوط به ظرفیت، کیفیت و رتبه منطقه‌ای و جهانی شبکه‌های ارتباطی و ترانزیتی ایران است. با توجه به ظرفیت‌های موجود، رتبه ایران به‌علت تحریم‌های بین‌المللی و آثار سوء مدیریت، در وضعیت مناسبی قرار ندارد.

جدول (۳) ظرفیت خطوط ارتباطی و رتبه‌بندی زیرساخت‌های شبکه محور جمهوری اسلامی ایران در ۲۰۲۰

(The global economy.com, IRAN: 2022)

خطوط ارتباطی	ظرفیت کلی	رتبه	امتیاز کیفیت	میانگین امتیاز کیفیت جهانی
خطوط هوایی	جلجلی ۱۲/۵ میلیون مسافر در سال	جهانی: ۱۳۲	۷ از ۳/۳	۴/۵۵ امتیاز برای ۱۴۱ کشور
		منطقه‌ای: ۱۲		
خطوط ریلی	۱۴۵۲۹ کیلومتر	جهانی ۲۱	۷ از ۳/۷	

۳/۶۱ امتیاز برای ۱۰۱ کشور		منطقه‌ای: ۲		
۳/۹ امتیاز برای ۱۴۱ کشور	۷ از ۳/۹	جهانی: ۷۷	بالغبر ۸۸۰۰۰ کیلومتر	خطوط اصلی جاده‌ای
		منطقه‌ای: ۱۰		
۴/۰۳ امتیاز برای ۱۳۹ کشور	۷ از ۳/۷	جهانی: ۸۸	عبور ۱/۸۵ میلیون کنتینر در سال	وضعیت بندرها
		منطقه‌ای: ۹		
میانگین برای ۱۳۹ کشور ۱۵۱ کیلوبیت	-	جهانی: ۱۱۴	۶/۰۶ کیلوبیت در ثانیه	پهنای باند اینترنت
		منطقه‌ای: ۱۲		

بعد دیگر منابع استراتژیک، فناوری است. الگوهای فناوری محور همواره بر قابلیت‌های نظامی تسلط داشته‌اند؛ ظرفیت‌های نظامی را می‌توان با استفاده از دانش و فناوری افزایش داد؛ زیرا از جنگ سرد تاکنون دفاع مبتنی بر فناوری بهترین رویکرد برای حل چالش‌های مرتبط با امنیت نظامی بوده است (Bellais, 2013: 60). ایران با استفاده از این رویکرد و مهندسی معکوس، صنایع دفاعی خود را توسعه داده و هم‌اکنون گستره وسیعی از تجهیزات و تأسیسات نظامی متعارف از جمله در بخش‌های موشکی و پهپادی، تسلط و تمرکز بر جنگ سایبری موفق بوده است. ایران حرکت به سمت خودکفایی برای تولید سلاح‌های متعارف پیشرفته را به‌عنوان یک هدف استراتژیک آغاز کرده است (Business Monitor International LTD, 2018: 7).

فعالیت‌های هسته‌ای ایران دلیلی برای پیشرفت فناوری در کشور است. کسب ظرفیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، خواه به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم، تأثیر مستقیمی بر قدرت نظامی ایران دارد. از این فناوری می‌توان به‌عنوان یک راهبرد بازدارنده در برابر تهدیدات بالقوه نظامی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای استفاده کرد. در شرایط پسابرجام و احتمال از دست رفتن ظرفیت‌های انرژی هسته‌ای، عملاً قدرت بازدارندگی ایران کاهش یافته است؛ بنابراین داشتن برنامه یک مشخص برای توسعه فناوری هسته‌ای عملاً ضریب بازدارندگی دفاعی را افزایش می‌دهد.

(۲) دولت رانتیر و قدرت نظامی ایران

بر اساس یک معیار کمی دولت رانتیر، دولتی است که ۴۲ درصد از کل درآمدهایش از طریق رانت خارجی تأمین شود. در اقتصاد رانتی تنها شمار اندکی از نیروی انسانی در تولید ثروت اشتغال دارند. در این اقتصاد، دولت و مابقی افراد جامعه به توزیع و مصرف ثروت تولیدشده از رانت می‌پردازند؛ بنابراین باید رانت‌ریسم را به‌عنوان جزئی از سیاست داخلی و خارجی دولت‌های رانتیر تلقی کرد (دل‌فروز، ۱۳۹۹: ۲۳۲-۲۳۱). جدول شماره ۴، میزان وابستگی بودجه دولت ایران به درآمدهای نفتی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۱ را نشان می‌دهد. میانگین مقادیر مذکور (۴۴/۷ درصد) حاکی از وابستگی شدید دولت به درآمدهای نفتی است. بر اساس داده‌های مندرج در جدول شماره ۵، نسبت درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز در تأمین بودجه دفاعی کشور از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۵ بررسی گردیده است. به‌طور میانگین ۴۰/۲ درصد از بودجه دفاعی از درآمدهای نفتی تأمین می‌شود. این ارقام نشان می‌دهد که بودجه دفاعی کشور به‌شدت به درآمدهای نفتی وابسته است.

جدول (۴) وابستگی دولت (بودجه) به درآمدهای نفتی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸

(منبع: نماگرهای اقتصادی دولت و داده‌های مرکز آمار کشور)

سال	وابستگی	سال	وابستگی	سال	وابستگی	سال	وابستگی
۱۳۸۴	٪۶۸/۳	۱۳۸۹	٪۵۱/۸	۱۳۹۴	٪۳۵/۱	۱۳۹۹	٪۲۰
۱۳۸۵	٪۶۹/۶	۱۳۹۰	٪۵۰/۸	۱۳۹۵	٪۲۷/۳	۱۴۰۰	٪۴۱
۱۳۸۶	٪۶۱/۴	۱۳۹۱	٪۵۰/۵	۱۳۹۶	٪۳۵	۱۴۰۱	٪۲۵
۱۳۸۷	٪۶۹	۱۳۹۲	٪۴۳	۱۳۹۷	٪۳۵/۷	میانگین	
۱۳۸۸	٪۵۶/۲	۱۳۹۳	٪۳۶/۸	۱۳۹۸	٪۲۷	۴۴/۷	

مقادیر مندرج در جدول شماره ۵، حاکی از رشد ۲۱ درصدی مخارج نظامی برای سال‌های مذکور است. ضمناً میانگین مخارج نظامی به تولید ناخالص داخلی برابر با ۲/۴ درصد است. «برابر گزارش اندیشکده بین‌المللی صلح استکهلم (SIPRI)، در سال ۲۰۲۱ میانگین هزینه‌های نظامی به تولید ناخالص داخلی برای کشورهای جهان برابر با ۲/۲ درصد و برای کشورهای خاورمیانه برابر با ۴/۴ درصد بوده است؛ این سهم برای ایران در همین سال ۲/۳ درصد محاسبه شده است؛ بنابراین سهم ایران از میانگین جهانی بیشتر و از کشورهای خاورمیانه کمتر است» (SIPRI:2022).

جدول (۵) رشد درآمدهای نفتی ایران در مقایسه با هزینه‌های نظامی ۱۳۸۱-۱۳۹۵
(منبع: سری زمانی نماگرها و شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۵۵ سال کشور)

سال	درآمد نفت و گاز (میلیون ریال)	نرخ رشد	سهم امور دفاعی (میلیون ریال)	نرخ رشد	نسبت مخارج نظامی به درآمدهای نفتی	درصد مخارج نظامی به GDP
۱۳۸۱	۱۰۲۵۵۳/۴	%۴۳	۱۷۴۳۰/۸	-%۲۲	%۱۷	%۲/۴
۱۳۸۲	۲۸۱۵۳/۹	-%۷۳	۱۸۱۹۲/۴	%۴	%۶۵	%۲/۸
۱۳۸۳	۱۵۰۴۱۳/۳	%۴۳۴	۲۸۲۳۳/۳	%۵۵	%۱۹	%۳
۱۳۸۴	۱۸۶۳۴۲/۴	%۲۴	۴۳۳۰۹/۵	%۵۳	%۲۳	%۳/۳
۱۳۸۵	۱۵۱۸۰۱	-%۱۹	۵۹۲۸۷/۸	%۳۶	%۳۹	%۲/۷
۱۳۸۶	۱۷۲۴۰۵/۳	%۱۴	۶۷۳۹۰/۱	%۱۳	%۳۹	%۲/۷
۱۳۸۷	۲۹۸۸۶۵/۶	%۷۳	۹۰۷۲۸	%۳۴	%۳۰	%۳
۱۳۸۸	۱۵۹۶۴۷/۵	-%۴۶	۱۰۷۷۸۴/۷	%۱۸	%۶۸	%۲/۸
۱۳۸۹	۴۳۴۴۸۵/۵	%۱۷۲	۱۲۸۹۹۹/۶	%۲۳	%۳۰	%۲/۴
۱۳۹۰	۵۷۱۱۱۷/۹	%۳۲	۱۹۶۳۵۳/۳	%۵۲	%۳۴	%۲/۸
۱۳۹۱	۶۸۳۶۰۷/۹	%۲۰	۲۶۸۳۵۳/۶	%۳۶/۷	%۳۹	%۲/۲
۱۳۹۲	۶۳۶۶۵۶/۷	-%۷	۳۱۰۸۲۰/۹	%۱۵/۹	%۴۹	%۲/۳
۱۳۹۳	۷۷۷۹۹۳	%۲۲	۲۷۱۸۴۴/۷	-%۱۲/۵	%۳۵	%۲/۸
۱۳۹۴	۵۳۷۳۶۶/۴	-%۳۱	۳۲۶۰۵۹/۲	%۲۰	%۶۱	%۳
۱۳۹۵	۷۴۵۰۱۸	%۳۹	۴۱۹۸۹۵/۸	%۲۸/۸	%۵۶	%۳/۱
میانگین						%۲/۴

(۳) ارکان قدرت سیاسی و قدرت نظامی ایران

ساختار سیاسی یا ارکان قدرت، نتیجه الگویی از عناصر ساختاری و رفتاری قدرت است که باهم پیوند دارند (ر. بال و پیترز، ۱۳۹۵: ۱۷). این عناصر تداعی‌کننده قدرت سیاسی هر کشور است که دولت غالباً رکن اساسی آن را تشکیل می‌دهد؛ اما در ایران ساختار و ماهیت قدرت سیاسی به لحاظ ویژگی‌های قدرت (آرمانی، ایدئولوژیک و انقلابی بودن) و

منابع متعدد آن، اساساً با سایر نظام‌های سیاسی شناخته‌شده در دنیا متفاوت است. تجربه بیش از چهار دهه حکومت‌داری جمهوری اسلامی ایران، گواه آن است که پیوند سنت و مدرنیت در قانون اساسی به دوگانگی ساختار نظام سیاسی، جناح‌بندی در درون حاکمیت و تنازع دائمی میان ارکان انتخابی و انتصابی در کشور شده است (هادی زنور، ۱۳۹۸: ۶۱). به هر صورت، نهادها و ارکان قدرت سیاسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک متغیر مستقل از طریق نهاد رهبری با تعیین سیاست‌های کلی نظام، عهده‌دار بودن فرماندهی کل نیروهای مسلح، اعلان وضعیت جنگی یا صلح، عزل و نصب فرماندهان عالی‌رتبه نیروهای مسلح بر قدرت نظامی اثرگذار است. سایر ارکان نظام مانند مجلس شورای اسلامی، شورای عالی امنیت ملی و ستاد فرماندهی کل قوا وظایف قانونی زیادی را در خصوص نیروهای مسلح بر عهده دارند. تأمین و تصویب بودجه و مخارج نظامی، تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور، آمایش دفاعی یگان‌های نیروهای مسلح، دیپلماسی دفاعی، خرید و نوسازی تجهیزات عمده، پشتیبانی فنی و آموزشی، اداره امور املاک و احداث ساختمان‌ها و پایگاه‌های نظامی داخلی و خارجی، انجام خدمات جغرافیایی به نیروهای مسلح، تأمین خدمات درمانی به کارکنان پایور و وظیفه، انجام امور بازنشستگی، بیمه و مستمری کارکنان نظامی و خانواده‌های آن‌ها، از وظایف دستگاه‌های مذکور است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۶۸).

(۴) مجتمع‌های نظامی - صنعتی

ظهور مجتمع‌های نظامی - صنعتی در ایران را باید محصول جنگ تحمیلی، احساس تهدید نظامی، مناقشه هسته‌ای و اعمال تحریم‌های طولانی بین‌المللی علیه ایران دانست؛ هرچند که به لحاظ تاریخی خاستگاه و ریشه‌های شکل‌گیری مجتمع‌های نظامی - صنعتی آمریکایی است و منظور از آن پیوند عمیق میان نظامیان و نخبگان پرنفوذ سیاسی در یک کشور است. این پیوند سبب ایجاد شبکه‌ای از نظامیان می‌شود که در تمام ارکان تصمیم‌گیری سیاسی و اقتصادی کشور حضور مستمر و فعال دارند. «به تعبیر میلز در کتاب نخبگان قدرت، در کشورهایی که وجود مجتمع‌های نظامی - صنعتی را تجربه می‌کنند، چه کسانی در سیاست‌گذاری، اقتصاد و کشورداری نقش اصلی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک بر عهده دارند؟ میلز خودپاسخ می‌دهد: نخبگان قدرت برخاسته از سه منبع عمده هستند: تشکیلات نظامی، شرکت‌های اقتصادی و سیاستمداران» (محمدنیا، ۱۳۹۶: ۴۲). مطالعه روابط و منابع قدرت و ثروت در ایران که به شکل‌گیری

۱۸۳
بنیادهای اقتصادی بزرگ و مستقل از دولت انجامیده است، نمونه‌ای مشهود از مجتمع‌های نظامی - صنعتی است. از جمله این نهادها می‌توان به قرارگاه خاتم (ص) و یا بنیادهای تعاون نیروهای مسلح و شرکت‌های اقماری آن‌ها اشاره نمود. این نهادها به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین کانون‌های تصمیم‌گیری سیاسی و اقتصادی کشور تاکنون در توسعه قدرت نظامی اثرگذار بوده و در این راستا نقش فعالی را بر عهده دارند.

(۵) استراتژی ژئوپلیتیکی و قدرت نظامی ایران

استراتژی ژئوپلیتیکی^۱ عبارت است از راهبرد و خط‌مشی که از سوی یک دولت یا ائتلاف بین‌المللی علیه رقبا با استفاده از عوامل و ارزش‌های جغرافیایی اتخاذ و اعمال می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۴۰۱: ۱۵۸). استراتژی ژئوپلیتیکی باید به کسب یک مزیت رقابتی در عرصه روابط بین‌الملل منتهی گردد. این استراتژی تا قبل از اجرا باید از قابلیت پیش‌بینی روندهای سیاسی و اقتصادی بین‌المللی برخوردار باشد (سناریو محور است) و بعد از اجرا با در نظر گرفتن ریسک و محاسبه فضای عدم قطعیت در سیاست و اقتصاد جامعه جهانی، باید قادر به ایجاد فرصت‌ها و ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی باشد؛ در غیر این صورت محکوم به شکست خواهد بود.

انقلاب اسلامی از ابتدای پیروزی نه صرفاً با تأکید بر عوامل جغرافیا بلکه با تأکید بر ارزش‌های ایدئولوژیک به‌دنبال اثرگذاری بر محیط جغرافیایی پیرامونی خود است. صدور انقلاب اسلامی، نفی اسرائیل و حمایت از جنبش آزادی‌بخش فلسطین، آمریکاستیزی، محور مقاومت و حضور در بحران‌های ژئوپلیتیکی منطقه جنوب غرب آسیا (لبنان، فلسطین، سوریه، عراق و یمن) ناظر بر استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران است. هر یک از راهبردهای مذکور خود به‌تنهایی بر امنیت ملی و قدرت نظامی ایران دارای آثار متفاوتی است. آثار استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در تحول ساختاری نیروهای مسلح (تشکیل سپاه قدس) استخدام و به‌کارگیری نیروهای نیابتی، تحول در دیپلماسی دفاعی، شرق‌گرایی، مبارزه با گروه‌های تروریسم تکفیری تعریف کرد. این اقدامات که بسیار گسترده است به افزایش هزینه‌های نظامی منجر شده است. به‌طور خلاصه، استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران را باید در قالب قدرت افکنی منطقه - ای تجزیه و تحلیل نمود. چنانکه قدرت‌افکنی عبارت است از «کاربرد محدود قدرت نظامی

1. Geopolitical Strategy.

از سوی دولت‌ها برای دستیابی به اهداف ژئوپلیتیکی و سیاسی در خارج از مرزهای جغرافیایی» (Mark, 1993:1). در این راستا، نیروی قدس به‌عنوان بخشی از مجموعه سپاه پاسداران برای انجام مأموریت‌های خارجی تعریف شده است. مأموریت‌های عمده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عبارت است از: ۱- دفاع مسلحانه از انقلاب اسلامی (مأموریت اصلی)؛ ۲- سازمان‌دهی و آموزش ارتش بیست‌میلیونی (آزاد، ۱۳۹۵: ۱۸)؛ ۳- تشکیل «هسته‌های مسلح حزب‌الله در سراسر جهان» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۶۸)؛ بنابراین نیروی قدس به‌عنوان مهم‌ترین نهاد قدرت‌افکنی جمهوری اسلامی ایران که مأموریت تحقق اهداف ژئوپلیتیکی را بر عهده دارد با سازمان‌دهی، تجهیز، آموزش و اعزام کارکنان این نیرو اهم از سازمانی و نیابتی به مناطق پیرامونی ایران مانند عراق، سوریه و یمن به‌دنبال تحقق اهداف ژئوپلیتیکی خاص است. اجرای عملیات نظامی خارج از قلمرو سیاسی حاکی از قابلیت‌های عمده نظامی یک کشور است. این ظرفیت می‌تواند از پلتفرم‌هایی مانند انتقال موشک‌های دوربرد، قابلیت‌های پهپادی، تجهیزات جنگ الکترونیک و سایبری و یا حضور مستشاری متفاوت باشند. علاوه بر این دولت‌ها با حضور نظامی خود در سایر کشورها می‌توانند سطح آموزش کارکنان خود را افزایش دهند، زیرا هیچ جایگزینی برای تجربه واقعی رزمی وجود ندارد. جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های اخیر علاوه بر تجربه جنگ با عراق، نیروهای خود را به کشورهای عراق و سوریه اعزام تا در عملیات ضد تروریسم، مستشاری، بارریزی هوایی، عملیات یکان‌های توپخانه مشارکت داشته باشند.

(۶) روابط و مناسبات خارجی و قدرت نظامی ایران

روابط و مناسبات خارجی جمهوری اسلامی ایران را باید در سیاست نگاه به شرق خلاصه کرد. علت اتخاذ این رویکرد ریشه در آمریکاستیزی و مناقشه هسته‌ای ایران با قدرت‌های جهانی دارد. باروی کار آمدن دولت محمود احمدی‌نژاد (۱۳۸۴) به‌عنوان رئیس‌جمهور چند عامل سیاسی و ایدئولوژیک، سیاست نگاه به شرق را از شکل پوشیده به رویکردی راهبردی و فعال تبدیل کرد؛ چارچوب اصلی این سیاست بر گسترش روابط با کشورهای هم‌چون چین، روسیه و هند تأکید داشت. مجموعه عواملی که باعث تقویت سیاست نگاه به شرق گردید عبارت‌اند از: ۱- اشتراک نظر با کشورهای شرقی در خصوص ماهیت سلطه نظام بین‌الملل و اعتراض به ترتیبات نظم لیبرالی؛ ۲- شرایط منطقه خاورمیانه و انزوای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی یکی از مهم‌ترین عوامل توجه به قدرت‌های شرقی برآورد شده است؛ ۳- سلب اعتماد ایران به غرب در بحث مذاکرات هسته‌ای، علی‌رغم تعلیق

۱۸۵
اورانیم و تأکید مداوم بر صلح‌آمیز بودن آن که با پاسخ درخوری از سوی غرب همراه نبوده است (ارغونی پیر سلامی، ۱۳۹۴: ۱۴۴-۱۴۰).

درواقع، سیاست «نگاه به شرق» ایران، آزمونی برای احتمال تغییر در نظم قدرت جهانی و انعطاف‌پذیری و عقب‌نشینی نظم جهانی فرا‌آتلانتیکی است؛ اما اینکه این مشارکت تا چه زمانی پایدار و به چه میزانی حافظ منافع ملی ایران است، سؤال و ابهام اصلی برای اتخاذ این رویکرد است. در کل علل مؤثر بر کشش ایران به شرق‌گرایی را باید در عواملی مانند آمریکاستیزی، رقابت‌های ژئوپلیتیکی و تمایل به نقش‌آفرینی منطقه‌ای، انرژی و امنیت آن، انعقاد قراردادهای اقتصادی و امنیتی - دفاعی با کشورهای روسیه و چین خلاصه کرد.

روندهای اقدامی پیش رو در روابط ایران و روسیه به‌ویژه از سال ۲۰۰۵ به بعد، نشان می‌دهد همکاری‌های نظامی دو کشور رو به افزایش بوده است. با ورود مستقیم روسیه به معادلات نظامی سوریه همکاری دو کشور در قالب تعاملات نظامی، اطلاعاتی و امنیتی بیشتر توسعه‌یافته است (بهمن، ۱۳۹۹: ۶۵). نتیجه این تعاملات را باید در خریدهای تسلیحاتی ایران از روسیه موردتوجه قرار داد. قرارداد ۵ نوامبر سال ۱۹۸۹ (۱۴ آبان ۱۳۶۸)، برای خریداری بالگردهای رزمی از جمله بالگرد میل ۱۷، جنگنده‌های میگ ۲۹ و سوخو ۲۴ و همچنین سامانه‌های دفاع هوایی تور - ام ۱ و اس - ۲۰۰ به ارزش ۱/۳ میلیارد دلار و دومین قرارداد نظامی در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹) باهدف ساخت زیردریایی دیزل مدل کیلو کلاس^۱ از درجه اهمیت در روابط دو کشور برخوردار است. در خلال سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ (۱۳۷۲ تا ۱۳۷۹) ایران ۴۲۲ دستگاه تانک T72 تی ۷۲ و ۴۱۳ دستگاه نفربر زرهی مدل B.M.P2 به ارزش ۶۶۸ میلیون دلار از روسیه دریافت کرد (باقری دولت‌آبادی و شفیعی سیف‌آبادی، ۱۴۰۰: ۲۹۵). علاوه بر این روسیه باهدف ایجاد پوشش هوایی تأسیسات هسته‌ای ایران در بوشهر، اصفهان، نطنز و تهران با ایران همکاری داشته است؛ اما سامانه‌های اس - ۳۰۰ که قرارداد آن در سال ۲۰۰۷ نهایی شده بود را به بهانه تحریم‌های بین‌المللی با تأخیر نه‌ساله در اواخر سال ۲۰۱۵ (فروردین ۱۳۹۴) به ایران تحویل داد. «همچنین حفظ دولت بشار اسد (عمق استراتژیک محور مقاومت) نیز یکی از دستاوردهای همکاری روس‌ها با ایران است» (بهمن، ۱۳۹۶: ۶۳).

1. Kils Class.

روابط دیپلماتیک چین با جمهوری اسلامی از ۱۹۷۹ آغاز و با شروع جنگ تحمیلی این روابط با انتقال تسلیحاتی چینی به ایران توسعه یافت. در طول مدت جنگ، سلاح‌های خریداری شده از چین شامل: تجهیزات متعارف مانند انواع موشک‌های زمین به زمین، زمین به هوا و موشک‌های ضد کشتی و برخی تسلیحات شیمیایی بوده است. شاید مهم‌ترین زمینه همکاری نظامی چین با ایران را بتوان در انتقال فناوری و همکاری‌های فنی که منجر به توانایی‌های ایران برای بومی‌سازی صنایع دفاعی شد، خلاصه کرد (Gill:1998).

در خصوص روابط چین با ایران شاید بتوان گفت: تنها قدرت بزرگی که روابط نسبتاً پایداری با ایران دارد، چین است. این موضوع در تحریم‌های بین‌المللی پیش از توافق هسته‌ای و در اعمال مجدد تحریم‌ها پس از خروج یک‌جانبه ایالات متحده از برجام خود را نشان داده است. تدوین برنامه راهبردی ۲۵ ساله بین دو کشور که در سفر وزیر امور خارجه وقت ایران (محمدجواد ظریف) پیشنهاد شد، در صورت شفاف‌سازی طرفین می‌تواند انعکاس نگاه راهبردی و بلندمدت دو کشور به روابط دوجانبه در منطقه باشد. مناسبات حوزه نظامی و امنیتی نیز با سفر هیئت‌های نظامی و دفاعی دو کشور و برنامه‌ریزی برای برگزاری رزمایش مشترک میان ایران، روسیه و چین در دی‌ماه سال ۱۳۹۸ از مصادیق توسعه این روابط امنیتی و نظامی است (سالنمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۹:۹۴۳). از طرف دیگر نخستین انگیزه چین برای توسعه روابط همه‌جانبه با ایران را می‌توان در سیاست خیزش اقتصادی این کشور و اهداف سیاسی و امنیتی منطقه‌ای چین تعریف کرد؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین سیاست‌های چین تمرکز بر تجارت سلاح و افزایش میزان صادرات تسلیحاتی به کشورهای حوزه خلیج فارس به‌ویژه عربستان است. افزایش مناسبات منطقه‌ای چین و عربستان و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس زمینه را برای حضور و نفوذ چین در این کشورها فراهم می‌آورد. به‌عبارت‌دیگر به‌نظر می‌رسد با افزایش هزینه ارتباط چین با ایران و معلق ماندن برجام، این کشور احتمالاً در خصوص میزان روابط و حمایت از دولت ایران دچار تردید شده است؛ بنابراین محدودتر شدن روابط ایران و چین دور از تصور نیست (سالنمای دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران، ۲۷۵:۱۳۹۸).

۱۷) دیپلماسی دفاعی و قدرت نظامی ایران

بنا به تعریف عملیاتی در این پژوهش، دیپلماسی دفاعی در ذیل ابعاد قدرت نظامی و به‌عنوان یک متغیر وابسته بیان گردیده بود؛ اما با توجه به داده‌های کمی جمع‌آوری شده، این متغیر از لحاظ نقش به یک پیشران اقتصاد سیاسی داخلی که دارای اثر دووجهی است، تغییر ماهیت داد. لذا این پیشران با تبعیت از روابط و مناسبات خارجی، بر قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران دارای آثار مشهودی است؛ اما به‌طور کلی دیپلماسی دفاعی می‌تواند در ابعاد مختلفی مانند همکاری‌های آموزشی، اطلاعاتی، عملیاتی، فنی، فناوری و صنعتی با کشورهای دوست و هم‌پیمان انجام گردد. در حال حاضر ایران طی مرادده و تعاملات آموزشی با کشورهای هندوستان، پاکستان، عمان، عراق و تاجیکستان در ارتباط است و هر ساله تعدادی از افسران ارشد کشورهای مذکور جهت طی دوره دانشگاه فرماندهی و ستاد (کارشناسی ارشد مدیریت دفاعی) به ایران اعزام می‌شوند. در مقابل، ایران تعداد محدودی از افسران ارشد نیروهای مسلح را به‌عنوان دانشجوی برای طی دوره‌های دافوس و دکتری به کشورهای مذکور و چین اعزام می‌کند. در حوزه عملیات دریایی از سال ۲۰۲۰ - نیروی دریایی ایران با کشورهای روسیه و چین برای نخستین بار در یک مانور نظامی مشترک موسوم به «کمر بند امنیت دریایی» که در دریای عمان برگزار شد، شرکت نموده است (قاضی‌زاده، ۱۹۴: ۱۴۰۰). دومین رزمایش مرکب کمر بند امنیت دریایی ۲۰۲۳ میان کشورهای مذکور در روزهای پایانی سال ۱۴۰۱ برگزار شده که مهم‌ترین اهداف آن عبارت‌اند از: تقویت امنیت نظامی و تجارت دریایی، مقابله با دزدان دریایی و تروریسم، اقدامات بشردوستانه، تبادل اطلاعات جنگی و حوزه امداد و نجات دریایی.

(۸) تجارت خارجی و قدرت نظامی ایران

تجارت خارجی در هر کشور می‌تواند علاوه بر آثار مستقیم بر اقتصاد کشور، اسباب توسعه وضعیت نظامی را فراهم آورده و به‌عنوان یک پیشران عمل کند. تجارت خارجی خود متغیری است که از دیپلماسی اقتصادی بر اساس تراز پرداخت‌های تجاری یک کشور متأثر است. در مجموع وضعیت فعلی ایران در تجارت جهانی نشان می‌دهد، تجارت خارجی و سیاست‌های مربوط به آن در تنوع بخشیدن به صادرات و واردات کالاها و خدمات، کسب شرکای تجاری بین‌المللی متعدد، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، انتقال فناوری-های جدید و ارتباط با کشورهای پیشرفته صنعتی، نسبت به کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا از موفقیت چندان بر خوردار نیست؛ زیرا یکی از مهم‌ترین چشم‌اندازهای آینده

سیاست‌گذاری تجاری در اقتصاد ایران، فرایند الحاق به سازمان تجارت جهانی^۱ است. هرچند ایران ارسال ۱۳۸۴ به‌عنوان عضو ناظر پذیرفته‌شده است، ولی پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی مستلزم تغییرات اساسی در سیاست‌های اقتصادی، تجاری، پولی و مالی کشور است که انجام این تغییرات هم‌اکنون با توجه به شرایط سیاسی داخلی کشور، نظم منطقه‌ای و جهانی، وجود ابهام در وضعیت پرونده هسته‌ای ایران، ممکن به‌نظر نمی‌رسد. از طرف دیگر، سازمان تجارت جهانی باهدف امنیت داخلی و بین‌المللی کشورهای عضو قوانینی را تحت عنوان «معاهده تجارت تسلیحات بین‌المللی^۲» وضع نموده است. هرچند این معاهده صرفاً به دلالتی تسلیحات که خدمت تجاری محسوب می‌شود، محدودشده و به انتقال فناوری اشاره نکرده است؛ اما در ماده ششم به قطعنامه‌های شورا که متضمن ممنوعیت انتقال فناوری یا خدمات نظامی به کشورها یا گروه‌های تحت تحریم است، پرداخته‌شده است. بدین‌سبب به‌علت تحریم‌های تسلیحاتی علیه ایران، دولت‌های عضو سازمان ملل متحد از انتقال برخی فناوری‌های نظامی و سرمایه‌گذاری در صنایع نظامی و تسلیحاتی ایران منع گردیده‌اند (حکیمی‌ها و هفتانی، ۱۵۱: ۱۳۹۴)؛ اما باید به این مهم توجه داشت که ایران در دهه‌های اخیر به‌جای اتکا بر تجارت سلاح و ورود فناوری‌های نظامی جدید، با بومی‌سازی صنایع نظامی به قابلیت‌هایی مهمی از ساخت و تولید تسلیحات متعارف که هسته اصلی رقابت استراتژیک بین دولتی دست‌یافته است و علاوه بر این از ظرفیت‌های لازم برای توسعه برنامه‌های نظامی خود نیز برخوردار است.

(۹) نظم‌های سیاسی جهانی و قدرت نظامی ایران

الف - نظم وستفالی: نظم‌های سیاسی جهان اساساً محصول جنگ‌ها است. بر همین اساس اگر آغاز حیات ارتش‌های مدرن را پایان جنگ‌های وستفالی (۱۶۴۸) بدانیم، نظم وستفالی را باید به‌عنوان یک تجربه تمدنی اروپایی که منجر به تشکیل دولت - ملت‌ها شد و به‌سرعت در تمام جهان توسعه یافت، تعریف کرد. لذا صلح وستفالی مبنای ارائه الگویی از نظم سیاسی جهانی است که به تأسیس دولت‌های مستقل و رقیب منجر گردید. این نظم تبیین مفاهیم و اهدافی مانند مرزهای جغرافیایی، قدرت ملی، دولت ملی، حاکمیت سیاسی، امنیت ملی، امنیت نظامی و تأسیس ارتش مدرن تأکید دارد.

1. World Trade Organization. (WTO)

2. International Arms Trade Treaty (ATT).

«در ایران نیز ساخت قدرت مرکزی و پیروی از یک نظم مدرن بوروکراتیک حاصل ظهور یک اقتدار مرکزی در محدوده جغرافیایی سیاسی کشور بود که در پی کودتای اسفند سال ۱۲۹۹ با قدرت گرفتن رضاخان پدیدار شد. او در اولین اقدام به این نتیجه رسید که مدرن‌سازی ارتش به حمایت مالی گسترده‌ای نیاز دارد» (ادیب‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۱۸)؛ «وی تلاش کرد تا ساختار عشایری نیروهای نظامی ایران را متحول و آن را به یک ساختار مدرن تبدیل کند. در این مسیر نظام تأمین نیروی انسانی در ارتش دگرگون شد. لذا طرح نظام سربازگیری^۱ (خدمت نظام‌وظیفه عمومی) در سال ۱۳۰۴ مصوب و اجرا گردید» (کرونین، ۱۳۹۸: ۲۱۷)؛ این شیوه همچنان پایه اصلی تأمین نیروی انسانی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است. همچنین نقش نهادهای نظامی در فرایند سیاسی - امنیتی و اقتصادی (دولت‌سازی) را باید در اتصال با موجودیت نظم وستفالی جستجو کرد؛ زیرا ظهور دولت‌های مدرن مطلقه عامل اصلی تشکیل و توسعه ارتش‌های نوین در کشورهای جنوب غرب آسیا است. این کشورها در حال حاضر به جوامعی تبدیل شده‌اند که در آن‌ها رقابت‌های تسلیحاتی و تهدید به جنگ همیشه وجود دارد (بول، ۱۳۹۶: ۷۳). به‌رحال جمهوری اسلامی در طول حیات سیاسی خود همواره با شماری زیادی از تهدیدات و دشمنان داخلی و خارجی مواجه بوده است، از این‌رو تلاش کرده است با تحکیم قدرت از طریق بازسازی نهادهای خود، به‌ویژه سازمان‌های نظامی، اقدامات گسترده‌ای را انجام و به حیات سیاسی خود ادامه دهد (کرونین، ۱۳۹۴: ۲۳۱-۲۲۷).

ب) نظم آنارشیک: تاریخ نظامی جهان و ایران گواه این است که نظم جهانی همواره آنارشیک بوده و جنگ و رقابت‌های امنیتی میان دولت‌های مختلف از ویژگی‌های اصلی آن است؛ بنابراین نظم آنارشیک که واقع‌گرایی نیز به آن تأکید دارد، به‌عنوان یک اصل نظم‌دهنده در روابط بین‌الملل، روایتی است از وضعیت سیاسی جهان امروز- جهانی متشکل از دولت‌های مستقل که از هیچ اقتدار مرکزی پیروی نمی‌کنند و برای تأمین منافع و امنیت خود ناگزیرند بر قدرت نظامی متکی و در راستای ارتقاء آن تلاش کنند (میرشایمر، ۱۳۹۶: ۳۴). لذا نظم آنارشیک به‌عنوان اصل نظم‌دهنده میان دولت‌ها و پیشرانی برای توصیف رفتار جنگ‌طلبانه آن‌ها شناخته می‌شود (S.Helal, 2019: 1). این

۱. سیاست سربازگیری ارتش نوین ایران در طول سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۵ شمسی، مبتنی بر نظام بُنیچه بود. در این روش کشاورزان در هر منطقه‌ای نسبت به معرفی مشمولان بر طبق میزان مساحت زمین زیر کشت اقدام می‌کردند. این روش به‌علت اختیاری بودن ناکارآمد بود (کرونین، ۱۳۹۸: ۲۰۶).

روند تاکنون سبب مسابقات تسلیحاتی و افزایش هزینه‌ها و مخارج نظامی کشورهای دنیا شده است؛ برابر گزارش موسسه صلح استکهلم (۲۰۲۲)، به‌رغم شیوع بیماری کرونا در سراسر جهان، هزینه‌های نظامی کشورهای آسیا و اقیانوسیه در حال افزایش است؛ این روند در خصوص ایران با رشد ۱۱ درصدی همراه بوده است (SIPRI, 2021).

(ج) **نظم لیبرالیسم (صلح لیبرالی):** تلاش‌های آمریکا و متحدانش برای هژمونی لیبرالیسم، به‌ویژه در دهه‌های اخیر به یک دستور کار جهانی تبدیل شده است. در این راستا ناتو به‌عنوان یک سازمان نظامی تحکیم‌بخش نظم لیبرالی، درصدد گسترش و توسعه قلمرویی خود است. لذا سیاست آمریکا در قبال ایران که بر منطق نظم لیبرالی (یک‌جانبه‌گرایی و مداخله‌گری) استوار است، علاوه بر تشدید تحریم‌های بین‌المللی، با اقدام به تهدید نظامی، همواره به‌دنبال کنترل ایران بوده است. جمهوری اسلامی ایران با توجه به دیدگاه‌های ایدئولوژیک، دغدغه‌های ژئوپلیتیکی و ویژگی‌های سیاست خارجی مبتنی بر آمریکاستیزی، برای افزایش قدرت بازدارندگی خود در قبال هرگونه تهدید نظامی احتمالی نیروهای فرمانطقه‌ای و یا پیشگیری از جنگ‌های نیابتی اقداماتی را در راستای ارتقاء قدرت نظامی خود انجام داده است. درواقع مقابله بانظم آمریکایی به یک پیشران مهم برای در سیاست خارجی و توسعه قدرت نظامی ایران تبدیل شده است. (از این پیشران می‌توان به‌عنوان سیاست‌گذاری دفاعی رقیب نام برد). آن‌چنان‌که در سند ارزیابی تهدیدات سالیانه اطلاعاتی وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا (۲۰۲۳) نیز آمده است: «ایران همچنان منافع آمریکا در خاورمیانه را از طریق استمرار فعالیت‌های هسته‌ای، حضور نیروی‌های نظامی در مناطق پیرامونی، حمایت از شبه‌نظامیان شیعه در عراق، مداخله نظامی ارسال تسلیحات و تجهیزات پیشرفته نظامی به سوریه و یمن، تهدید شرکای استراتژیک آمریکا در منطقه از جمله عربستان و اسرائیل اقدام می‌کند. علاوه بر این ایران با اتکا به آموزه‌های جنگ ترکیبی، ساخت و تولید سلاح‌های متعارف، هواپیماهای جنگنده و آموزشی، ساخت پهپاد و بالگردهای رزمی، توسعه دفاع هوایی، ساخت ادوات زرهی، توسعه نیروی دریایی و ساخت کشتی و ناوهای جنگی به‌دنبال ارتقاء و توسعه قدرت نظامی خود است؛ اما محدودیت‌های بودجه و کمبودهای مالی تاکنون منجر به کاهش سرعت پیشرفت این اقدامات شده است» (United States Department of Defense, 2023: 17-19).

د) **نظم منطقه‌ای:** جنوب غرب آسیا بعد از حمله ایالات متحده به عراق (۲۰۰۳)، اعتراضات عربی (۲۰۱۱)، بحران‌های ژئوپلیتیکی سوریه و یمن و سپس عزم آمریکا برای ترک تدریجی منطقه، بیش از پیش در آستانه تحولات بنیادی قرار گرفته است. شرایطی که ایران و سایر بازیگران منطقه‌ای از جمله عربستان، ترکیه و حتی اسرائیل را به تکاپو برای تغییر شرایط به نفع خود مجاب کرده است. ایران به دنبال اتصال ژئوپلیتیکی دو منطقه خلیج فارس و شامات (محور مقاومت) است. برقراری نظم مطلوب منطقه‌ای که بالاترین مرحله اعمال قدرت هر دولت - ملت تعریف شده، به قدرت نظامی نیازمند است. بنابراین دولت‌هایی که به دنبال نظم منطقه‌ای هستند، اهداف بلند پروازانه‌ای را دنبال می‌کنند. همان‌گونه که در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ کشور و برنامه‌های توسعه ملی نیز آمده است: «تحکیم و تقویت بنیه دفاعی کشور در تراز قدرت‌های منطقه‌ای از طریق افزایش بازدارندگی اکتساب فناوری‌های اقتدار آفرین، افزایش تاب‌آوری در قبال تهدیدات سایبری، زیستی، شیمیایی و پرتویی، افزایش توان موشکی، توسعه پدافند هوایی، ایجاد شبکه‌های ارتباطی امن، هوشمند سازی تسلیحات، توسعه جنگ الکترونیک، تقویت ناوگان هوایی و دریایی و توسعه پهپادها، تأسیس یگان‌های رزمی و تیپ‌های واکنش سریع، اجرای کامل پدافند غیرعامل، انسداد الکترونیکی، اپتیکی و فیزیکی مرزهای زمینی در دستور کار دولت قرار گرفته است» (برنامه‌های ششم و هفتم توسعه کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱).

(۱۰) شوک‌های نفتی (قیمت جهانی نفت)

یکی از ویژگی‌های بازار جهانی نفت، بروز شوک‌های نفتی در پنج دهه اخیر است. پیشینه علل بروز شوک‌های نفتی را باید در مجموعه‌ای از حوادث و بحران‌های مختلف سیاسی و اقتصادی از جمله جنگ‌ها، انقلاب‌ها، تحریم‌های بین‌المللی، افزایش و کاهش تولید و یا تغییرات میزان عرضه و تقاضا جستجو کرد (میرترابی، ۱۳۹۳: ۴۱).

مهم‌ترین علل بروز شوک‌های نفتی و آثار اقتصادی آن‌ها در جدول شماره ۶، خلاصه شده است. به‌طور مشخص شوک نفتی شوک سال ۱۹۷۳، دارای آثار زیادی بر قدرت نظامی ایران بوده است؛ زیرا در دهه ۱۹۷۰م، سیاست تسلیحاتی ایران تحت تأثیر بی‌ثباتی خاورمیانه، جنگ اعراب - اسرائیل در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ که منجر به تحریم نفتی ایالات متحده، توسط عربستان گردید، قرار داشته است. این تحریم سبب افزایش قیمت نفت اوپک شده و این روند افزایش درآمدهای نفتی ایران را به همراه داشته است؛

به طوری که سهم بودجه نظامی ایران از تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۷۳ از ۱/۹ به ۱۲/۱ درصد در سال ۱۹۷۴ افزایش یافت. این افزایش منجر به خرید و سفارش انواع تسلیحات پیشرفته نظامی ایران از ایالات متحده و انگلیس گردید. اقلام خریداری شده توسط ایران شامل: جنگنده‌های اف ۴؛ اف ۵ و اف ۱۴- و هواپیمای ترابری سی ۱۳۰ در مجموع بالغ بر هشتصد فروند؛ دو هزار تانک چیفتن؛ چهارصد دستگاه تانک سبک اسکورپین و سیصد خودرو زره پوش فاکس از انگلیس؛ تانک‌های سری ام ۴۷ و ام ۶۰؛ انواع ناوشکن؛ هفتصد بالگرد تهاجمی، انواع سلاح‌های سبک و نیمه سنگین زمینی، به همراه مهمات مربوطه خریداری شد؛ در مجموع ایران از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸، بالغ بر ۳۱ میلیارد دلار تجهیزات نظامی خریداری نموده است. این حجم از خریدهای نظامی از آنجا اهمیت دارد که ایران توانست در طول هشت سال جنگ با عراق، صحنه عملیات را از لحاظ تجهیزات نظامی پشتیبانی و مدیریت کند. «در یک مقایسه مشخص می‌گردد، خریدهای تسلیحاتی ایران از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۲۰ در مجموع کمتر از ۱۶ میلیارد دلار بوده است» (متقی، ۱۳۸۷: ۳۹-۳۱).

جدول (۶) علل بروز شوک‌های نفتی و پیامدهای آن بر قیمت جهانی نفت (منبع: بررسی‌ها و مطالعات پژوهشگر)

تاریخ	شوک (علل)	پیامدها و آثار جهانی بر قیمت جهانی نفت
۱۹۷۳	جنگ اعراب و اسرائیل و اعمال تحریم نفتی عربستان علیه آمریکا	۴ برابر شدن قیمت نفت از ۲/۵ دلار به ۱۱/۵ دلار
۱۹۷۸ و ۱۹۸۰	وقوع انقلاب اسلامی ایران و توقف صادرات نفت ایران، آغاز جنگ ایران و عراق	۲ برابر شدن بهای نفت از ۱۷ دلار به ۳۲ دلار و با آغاز جنگ به ۳۶ دلار افزایش یافت
۱۹۹۰	حمله عراق به کویت و آغاز جنگ اول خلیج فارس	افزایش قیمت نفت از ۱۵ به ۴۲ دلار - و افزایش تولید نفت عربستان تا ۳ برابر
۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸	افزایش تولید نفت جهانی و بحران مالی جهانی و کاهش ارزش دلار	افزایش بهای نفت از ۱۰۰ دلار به ۱۴۷ دلار و سپس سقوط قیمت تا ۳۷ دلار
۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴	اعتراضات کشورهای عرب خاورمیانه موسوم به بهار عربی	افزایش قیمت نفت به بیشتر از ۱۰۰ دلار برای یک دوره ۴ ساله
۲۰۲۲ تاکنون	جنگ روسیه - اوکراین، تحریم روسیه و بروز بحران انرژی اروپا	افزایش قیمت نفت تا ۱۱۰ دلار و کاهش مجدد آن به ۸۰ دلار در ابتدای سال ۲۰۲۳

در سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ پیروزی انقلاب ایران و آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران سبب بروز شوک نفتی و افزایش قیمت جهانی نفت گردید، اما به دلیل توقف تولید نفت در ایران، درآمدهای نفتی کشور کاهش یافت و بحران جنگی سبب شد، سهم هزینه‌ها و مخارج نظامی از تولید ناخالص داخلی که ناشی از درآمدهای نفتی بود، از ۱۲/۱ درصد به میانگین ۶/۷ درصد تا پایان جنگ تحمیلی کاهش یابد. از پایان جنگ در سال ۱۹۷۸ تا سال ۲۰۲۱ میانگین سهم هزینه‌ها و مخارج نظامی ایران از تولید ناخالص داخلی ۲/۹ درصد بوده است؛ اما شوک نفتی سال ۲۰۲۲ که بر اثر جنگ روسیه علیه اوکراین و تحریم این کشور به وجود آمد، هرچند در ابتدا سبب افزایش قیمت جهانی نفت تا ۱۱۰ دلار گردید، اما ایالات متحده با توجه به فناوری‌های در اختیارش و استخراج نفت شل کسری نیازمندی نفت جهان را تأمین و تولید را افزایش داد؛ لذا قیمت نفت را به سطح ۸۰ دلار کاهش داده و کنترل کرد. از طرفی ایران با اتخاذ سیاست حمایت و پشتیبانی از روسیه در جنگ اوکراین، از فرصت پیش آمده برای افزایش تولید نفت استفاده نکرده و نتوانست درآمدهای نفتی خود را افزایش دهد.

(۱۱) جهانی‌شدن اقتصاد و قدرت نظامی ایران

از دیدگاه واقع‌گرایی، جهانی‌شدن اقتصادی می‌تواند در کوتاه‌مدت و میان‌مدت منجر به افزایش توانمندی‌های نظامی گردد. جهانی‌شدن با تأکید بر امکاناتی که در اختیار همه دولت‌ها می‌گذارد، زمینه لازم برای ارتقا تأثیر «برابر ساز»^۱ را فراهم می‌آورد. این عامل به تمام دولت‌ها اجازه می‌دهد تا فناوری‌های نظامی جدیدی را کسب کنند. تأثیر برابر ساز از دو طریق محقق می‌شود: نخست، خریداری تسلیحات پیشرفته نظامی از کشورهای تولیدکننده؛ دوم، ساخت و تولید تسلیحاتی داخلی که از قابلیت رقابت برخوردار باشند (بروکس و ولفورث، ۱۳۹۵: ۱۸۱).

بنابراین جهانی‌شدن را باید محرکی که از ورای مرزهای سیاسی می‌تواند به «اثربخشی قدرت نظامی»^۲ منجر شود تعریف کرد؛ از جهانی‌شدن برای اصلاح فعالیت‌های فنی و گسترش صنایع نظامی، کسب اطلاعات استراتژیک و تاکتیکی در خصوص رقبا و دشمنان، تولید نقشه‌های رقومی می‌توان استفاده کرد» (بروکس و همکار، ۱۳۹۷: ۳۰-۲۹). همان‌گونه که کنشگران رئالیسم بر نقش مهم فناوری اطلاعات در ارتش‌های مدرن تأکید

1. Leveling Effect.

2. The Effectiveness of military power.

دارند. با استفاده از اطلاعات جهانی شده، ارتش‌های تمام کشورهای جهان و حتی گروه‌های مسلح غیردولتی می‌توانند به تسلیحات پیشرفته و اطلاعات استراتژیک دسترسی و بر اساس آن مزیت‌های تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی خود را ارتقاء دهند (Stokes, 2019: 52-53). از طرف دیگر جهانی‌شدن امور نظامی که توسط دیوید هلد مطرح شده است، بر این واقعیت تأکید دارد که زمینه‌های لازم برای تجارت سلاح و دسترسی به شبکه‌ها و شرکت‌های تولید تسلیحات که کار توسعه فناوری‌های نظامی را بر عهده دارند برای تمام کشورهای جهان مهیا شده است: هلد، ضمن اینکه قدرت نظامی را یکی از ابعاد مدرنیته می‌داند، جهانی‌شدن امور نظامی را به سه پدیده متمایز تقسیم می‌کند: ۱- جهانی‌شدن جنگ که از آن به نظم ژئوپلیتیک تعبیر می‌شود؛ ۲- جهانی‌شدنی تولید و تجارت سلاح که منجر به تحرک تسلیحات نظامی متعارف در طول مرزهای جغرافیایی می‌گردد؛ ۳- جهانی‌شدن جغرافیایی خشونت که دربرگیرنده مقررات رسمی و غیررسمی بین‌المللی در مورد استفاده و استقرار نیروهای نظامی قدرت‌های بزرگ در سایر کشورهای جهان است. هلد هر سه فرایند مذکور را به وضعیت اقتصادی بازیگران دولتی و غیردولتی و توسعه فناوری وابسته می‌داند (گیدنز، ۱۳۹۹: ۵۲-۴۹).

در مجموع، هرچند جهانی‌شدن باعث توسعه عوامل تولید، کالاها، خدمات و برخی از فناوری‌های نوظهور در سراسر مرزهای ملی شده است، اما این گشودگی در تجارت بین‌الملل، آن‌چنان که رئالیست‌ها استدلال می‌کنند بر مبنای تصمیمات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دولت - ملت‌ها تعیین شده و به ملی‌گرایی و نظامی‌گری کشورها دامن زده است؛ همان‌گونه که از رفتار قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده آمریکا، ژاپن، چین، روسیه و هند می‌توان دریافت، ناسیونالیسم و نظامی‌گری در سراسر جهان نسبت به گذشته افزایش یافته است و شواهد تاریخی بسیاری وجود دارد که مبادله اقتصادی، تجاری و صلح لیبرالیسم تاکنون نتوانسته از وقوع جنگ‌ها پیش‌گیری کند، اما سبب رقابت و توسعه نظامی شده است (Irandoost: 2017).

جمهوری اسلامی ایران با توجه به استراتژی برابر ساز سیاست‌های تسلیحاتی و تجهیزاتی خود که بر پایه تولیدات داخلی متمرکز کرده است، علاوه بر این جهانی‌شدن اطلاعات نظامی به کسب اطلاعات تاکتیکی و استراتژیک از وضعیت رقبا و دشمنان، توسعه سامانه‌های فرماندهی و کنترل، توسعه سامانه‌های بازی جنگ بر پایه سیستم اطلاعات جغرافیایی، طراحی و ساخت شبیه‌سازهای آموزشی، پیشرفت در آموزش مجازی، تولید

نقشه‌های رقومی کمک کرده است؛ اما باید توجه داشت که جهانی‌شدن اقتصاد و امور نظامی این امکان را برای رقبای منطقه‌ای ایران نیز فراهم کرده است تا با اتصال به بازارهای جهانی سلاح، به تجهیزات و فناوری‌های پیشرفت نظامی دنیا دست‌یافته و هر ساله هزینه‌های زیادی را صرف خریدهای نظامی کنند.

(۱۲) تحریم‌های بین‌المللی (اقتصادی - تسلیحاتی)

تحریم‌ها علیه ایران به مجموعه اقداماتی از سوی قدرت‌های بزرگ به‌ویژه ایالات‌متحده آمریکا گفته می‌شود که به‌علت مجازات ایران بعد از اشغال سفارت آمریکا در تهران آغاز شد. این روند با آغاز جنگ عراق علیه ایران ادامه یافت و سپس به‌دنبال برنامه هسته‌ای در سال ۱۳۸۵ و ارجاع پرونده ایران از آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به شورای امنیت سازمان ملل شدت گرفت. تحریم‌های بین‌المللی از لحاظ پیامد در دو حوزه (اقتصادی و نظامی) بر قدرت نظامی ایران مؤثر بوده‌اند. تحریم‌های اقتصادی از طریق بی‌ثبات کردن نظام سیاسی، ایجاد نارضایتی عمومی، افزایش نرخ تورم، کاهش رشد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی و درنهایت کاهش ضریب امنیت ملی مؤثر بوده‌اند؛ اما تحریم‌های اقتصادی در مقابل ظرفیت‌های نظامی یک کشور که دارای منابع گسترده استراتژیک، جمعیت فعال و قلمرو ژئوپلیتیکی است، به‌ویژه در زمان جنگ و درگیری، فرعی به‌شمار می‌روند. لذا تحریم‌های تسلیحاتی که باهدف مستقیم تضعیف و کاهش قدرت نظامی کشورها انجام می‌گردد، در مورد ایران موفق نبوده است. همان‌گونه که «مارگارت دوکسی^۱ پژوهشگر اقتصاد تحریم نیز تأکید می‌کند: بررسی‌های تاریخی تحریم‌ها در تغییر اساسی سیاست نظامی و حتی مناسبات سیاست خارجی کشورها به‌ندرت موفقیت‌آمیز عمل کرده است» (مروی و شایسته، ۱۴۰۰: ۲۹۵).

بخش نظامی ایران در شرایط تحریم تاکنون توانسته است به پیشرفت‌های چشمگیری به‌ویژه در حوزه موشک‌های بالستیک، تولید انواع پهپادهای رزمی و فناوری ساخت هواپیماهای جنگنده نائل گردد. مهم‌ترین نقطه قوت صنایع نظامی ایران تحقیق و توسعه است که زمینه پیشرفت را فراهم کرده است؛ زیرا ایران برای کنترل اثر منفی تحریم‌ها باید به سمت تولید محصولات دوگانه نظامی و غیرنظامی حرکت نماید. این امر می‌تواند رابطه سیالی میان صنایع کشور ایجاد کند تا آثار منفی تحریم‌ها کاهش یابد (صادقی و

^۱. Margaret Deux

همکاران، ۱۳۹۹، ۳۰۱-۳۰۰). با این حال تحریم‌های تسلیحاتی بیشترین آثار منفی را بر قدرت هوایی ایران بر جا گذاشته است. به همین دلیل، ایران با تولید پهپاد و مدرن کردن دفاع هوایی و خریداری سامانه اس-۳۰۰ و تور-ام ۱- از روسیه تا حدودی فقدان هواپیماهای جنگنده را پوشش داده است؛ اما ترکیب تجهیزات دفاع هوایی غربی و شرقی، فرایند آموزش و نگهداری و تعمیر تأثیر گذاشته و دامنه آن را پرهزینه و طولانی کرده است (Lamrani, 2020).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

جنگ همچنان به‌عنوان مهم‌ترین عامل اصلی تهدید علیه امنیت باقی خواهد ماند، بنابراین قدرت نظامی نیز مهم‌ترین رکن امنیت ملی به‌شمار می‌آید. قدرت نظامی اغلب در چارچوب موضوعاتی مانند جغرافیا و استراتژی دفاعی، دکترین نظامی، فناوری و صنایع نظامی و سلاح‌ها و تجهیزات جنگی، فرماندهی و کنترل، بودجه نظامی، کمیت و کیف کارکنان نیروهای مسلح، سطح آموزش کارکنان، تعدد و گسترش پایگاه‌های نظامی داخلی و خارجی، قدرت لجستیک و تحرک نیروها قابل تحلیل است. یکی از عوامل و روندهای تأثیرگذار بر پیکربندی قدرت نظامی کشورهای جهان، اقتصاد سیاسی است. لذا برای حفظ امنیت ملی و نظامی کشوری مانند ایران که همواره با تهدیدات گوناگون منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای روبروست؛ شناسایی مهم‌ترین پیش‌ران‌های اقتصاد سیاسی (داخلی و جهانی) تأثیرگذار بر قدرت نظامی، امری ضروری شمرده می‌شود. بدین سبب این مقاله با بهره‌گیری از مکتب رئالیسم که قدرت نظامی را مهم‌ترین رکن قدرت ملی می‌داند و نیز با استفاده از مباحث نظری اقتصاد سیاسی به رشته تحریر درآمده است. به این منظور، چهارده پیش‌ران اقتصاد سیاسی داخلی و اقتصاد سیاسی جهانی شناسایی گردیده و میزان اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم و غیرمستقیم (بالقوه که ناظر بر تغییرات اثر پیش‌ران‌ها در آینده است) شناسایی گردیده است. پیش‌ران‌های چهارده‌گانه عبارت‌اند از: جغرافیا و منابع استراتژیک؛ دولت رانتیر؛ مجتمع‌های نظامی-صنعتی؛ ارکان قدرت سیاسی؛ روابط و مناسبات خارجی (شرق‌گرایی)؛ استراتژی ژئوپلیتیکی (حضور در بحران‌های منطقه‌ای)؛ نظم وستفالی؛ شوک‌های نفتی؛ نظم آنارشیک؛ تجارت خارجی؛ دیپلماسی دفاعی؛ نظم لیبرالی؛ جهانی‌شدن؛ نظم منطقه‌ای؛ و تحریم‌های بین‌المللی. لذا بر پایه تحقیق حاضر، «پیش‌ران‌ها در حوزه اقتصاد سیاسی داخلی»، برحسب ساخت سیاسی قدرت (ارکان و مراجع قدرت سیاسی؛ مناسبات خارجی؛ استراتژی ژئوپلیتیکی)؛ و ساخت اقتصادی قدرت

(جغرافیا و منابع استراتژیک؛ دولت رانتیر؛ تجارت خارجی؛ مجتمع‌های نظامی و صنعتی) شناسایی، اولویت‌بندی و سنجش شده‌اند. در این راستا، «پیشران‌ها در حوزه اقتصاد سیاسی جهانی» نیز برحسب نظم سیاسی جهان (نظم آنارشیک؛ نظم وستفالی؛ نظم لیبرالی؛ نظم منطقه‌ای) و نظم اقتصادی جهان (جهانی‌شدن؛ شوک‌های نفتی؛ تحریم‌های بین‌المللی) شناسایی و به‌طور جداگانه اولویت‌بندی شده و مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. یافته‌ها و نتایج این تحقیق نشان می‌دهد: قدرت نظامی ایران بیش از هر چیز به‌طور مستقیم از پیشران‌های اقتصاد سیاسی داخلی به‌ویژه از ظرفیت‌های جغرافیایی و منابع استراتژیک کشور از جمله درآمدهای نفتی متأثر است تا عوامل اقتصاد سیاسی جهانی. «هفت پیشران اقتصاد سیاسی داخلی» که از نفوذ مستقیم (اثرگذاری) بیشتری بر قدرت نظامی ایران برخوردارند؛ به ترتیب عبارت‌اند از: جغرافیا و منابع استراتژیک؛ دولت رانتیر؛ مجتمع‌های نظامی-صنعتی؛ ارکان قدرت سیاسی؛ روابط و مناسبات خارجی (شرق-گرای)؛ استراتژی ژئوپلیتیکی (حضور در بحران‌های منطقه‌ای)؛ و تجارت خارجی. در این راستا، دیپلماسی دفاعی؛ به‌عنوان یک پیشران میانجی (عامل استراتژیک دووجهی) در طی این مطالعه شناسایی شده است. همچنین «هفت پیشران اقتصاد سیاسی جهانی» که بر قدرت نظامی ایران اثرگذار و بانفوذ هستند؛ به ترتیب رتبه‌بندی عبارت‌اند از: نظم وستفالی به‌عنوان مبانی تشکیل ارتش نوین در ایران؛ شوک‌های نفتی به‌ویژه شوک سال ۱۹۷۳ که منجر به خریداری تجهیزات پیشرفته از جمله جنگنده‌های سری اف-۱۵ شد؛ نظم آنارشی به‌عنوان چالشی پر قدمت در روابط بین‌الملل و پس‌زمینه ذهنی نخبگان سیاسی و نظامی کشور؛ نظم لیبرال به‌عنوان نظم نوین جهانی و سیاست‌گذاری رقیب و یا دشمن به‌معنای صلح برای غرب و جنگ برای بقیه جهان در واقع خود تقویت‌کننده آنارشی در جهان بوده و سبب استمرار نظامیگری را فراهم کرده است. همچنین جهانی‌شدن به‌عنوان یک فرصت برای افزودن بر قابلیت‌های نظامی؛ نظم منطقه‌ای برای دستیابی به نظم مطلوب هر یک از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سبب رقابت‌های تسلیحاتی گردیده است. همچنین تحریم‌های بین‌المللی اقتصادی و تسلیحاتی علیه ایران که به‌شدت متأثر از نظم لیبرالی و سیطره ایالات‌متحده بر نهادها و سازمانی حکمرانی اقتصاد است، به‌عنوان پیشران کنترل و تنظیم‌کننده برای اقتصاد ایران به‌شمار رفته و آثار منفی و بلندمدت بر منابع استراتژیک ایران بر جا گذاشته است؛ اما با توجه به تمام تلاش‌های انجام‌شده توسط ایالات‌متحده آمریکا تحریم‌های تسلیحاتی در خصوص مهار توسعه قدرت نظامی ایران

چندان اثربخش نبوده است. به طوری که در بسیاری از موارد، تحریم‌های تسلیحاتی سبب خوداتکایی صنایع دفاعی و نیروهای مسلح ایران شده است. پیشرفت صنایع دفاعی کشور و ساخت انواع پهپادها، انواع موشک‌های دوربرد و بالستیک، ساخت سامانه‌های پدافند هوایی و همچنین خریداری تجهیزات دفاع هوایی مانند S300 تا حدودی توانسته است خلاء قدرت هوایی ایران را فراهم کند؛ اما بیان این نتیجه نیز بسیار مهم است که تحریم‌های تسلیحاتی علیه ایران با توجه به اینکه تجهیزات و ناوگان نیروی هوایی مانند هواپیماهای جنگنده و ترابری نظامی اکثراً ساخت ایالات متحده آمریکا است و در طول جنگ با عراق متحمل آسیب‌های فراوان گردیده و در حال حاضر نیز به علت قدمت و طول عمر این ناوگان، قدرت هوایی ایران به شدت از تحریم‌ها متأثر گردیده است. به طور کلی باید گفت: نه تنها قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران از پیشران‌های اقتصاد سیاسی داخلی و جهانی متأثر است؛ بلکه توجه هم‌زمان به تمامی پیشران‌های اقتصاد سیاسی در هر دو بعد داخلی و جهانی برای ارتقاء، توسعه و افزایش کمی و کیفی قدرت نظامی ایران از اقدامات ضروری است. به ویژه در حوزه داخلی توجه به برنامه‌های توسعه ملی و بازنگری در سیاست خارجی، استراتژی ژئوپلیتیکی در راستای تأمین منافع ملی می‌تواند سبب تقویت پیشران‌های اقتصاد سیاسی مؤثر بر قدرت نظامی ایران باشد، لذا در این راستا پیشنهادهایی به شرح زیر بیان می‌گردد:

کاهش وابستگی به نفت به منظور جلوگیری از تأثیرات سوء تحریم‌های اقتصادی؛ تقویت نظام مالیاتی کشور (ضرورت حل بحران شکاف دولت - ملت با تأکید بر نظام پاسخگویی)؛ تقویت مؤلفه‌های انسجام ملی و اصلاح نظام انتخاباتی کشور با هدف بسط نظام پاسخگویی به مردم؛ توسعه متوازن و کاهش سطح فقر اجتماعی، افزایش اشتغال؛ کاهش تورم می‌تواند از فشارهای اجتماعی کاسته و منجر به وفاق و انسجام ملی گردد؛ بازنگری در استراتژی ژئوپلیتیکی کشور و تمرکز آن بر اساس منافع و اهداف ملی؛ حل مناقشه هسته‌ای ایران با قدرت‌های بزرگ جهانی با هدف برون‌رفت از انزوای ژئوپلیتیکی و حل تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی و نظامی؛ توسعه دیپلماسی اقتصادی و دفاعی به ویژه با کشورهایی که از دارای فناوری مدرن هستند، از جمله اقدامات اساسی است که باید در حوزه اقتصاد سیاسی به آن‌ها توجه ویژه نمود.

قدردانی

از همه خبرگان و اساتیدی که در طول پژوهش، محققان را در گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل و اعتبارسنجی یافته‌های پژوهش یاری رسانده‌اند سپاسگزاریم.

منابع

ابری، رابت. و مارک، ویلیامز. (۱۳۹۸). *اقتصاد سیاسی جهانی*، ترجمه: چگنی‌زاده، غلامعلی و راه نجات، میترا، تهران: وزارت امور خارجه، چاپ دوم.

احتشامی، انوشیروان. (۱۳۹۶). *اقتصاد سیاسی، جنگ و انقلاب (بررسی سیر دگرگونی در منطقه خلیج فارس)*، ترجمه: فرخنده، ایوب و سلامی استاد، محمد. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد، چاپ اول.

ادیب‌زاده، مجید. (۱۳۹۲). *خیزش عقلایی شدن در طلوع ایران مدرن*، تهران، انتشارات ققنوس.

ارغونی پیر سلامی، فریبرز. (۱۳۹۴). *بازدرآمدی بر روابط چین و ایران در پرتوی هویت‌های بین‌المللی*، تهران: مخاطب.

اطاعت، جواد. و نصرتی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). *ژئوپلیتیک نفت و سیاست خارجی ایران*، تهران: علم.

ایوبی‌پور، محمد. و عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۹۸). *تعیین پیشران‌های تمدن‌سازی نوین اسلامی با رویکرد تحلیل تأثیر متقاطع، دو فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، تهران: دانشگاه شاهد، ۲(۱). ۳۸۷-۴۰۰.

آزاد، امیر حامد. (۱۳۹۶). *نیروی قدس: برسازي استراتژیک ایران*، تهران: مطالعات اندیشه‌سازان نور.

باری، کلارک. (۱۳۹۶). *اقتصاد سیاسی تطبیقی*، مترجم: عباس حاتمی، تهران: کویر، چاپ سوم.

بروکز، استفان. و ولفورث، ویلیام. (۱۳۹۵). *جهان نامتوازن (روابط بین‌الملل و چالش استیلای آمریکا)*، ترجمه: فاطمی‌نژاد، سید احمد و احمد صادقی، تهران: وزارت امور خارجه.

بروکس، ريسا. و استنلی، الیزابت. (۱۳۹۷). خلق قدرت نظامی (سرچشمه‌های اثربخشی نظامی)، ترجمه: موسسه آموزشی و پژوهشی صنایع دفاعی و مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، تهران.

بشریه، حسین. (۱۳۷۸). دولت و جامعه مدنی (گفتمان‌های جامعه‌شناسی سیاسی)، ویژه مجله نقد و نظر، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

بول، هدلی. (۱۳۹۶). جامعه آنارشیستیک، مطالعه‌ای در باب نظم در سیاست جهان، ترجمه: فاطمه سلیمانی پورلک، تهران: مخاطب.

بهمن، شعیب. (۱۳۹۶). توافق سلیمانی - پوتین (امکان‌سنجی روابط راهبردی ایران و روسیه)، تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

بهمن، شعیب. (۱۳۹۹). نگاه روسیه به ایران، تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
پاشنگ، مریم. (۱۴۰۰). جایگاه ایران در نقشه‌ی جدید انرژی جهان، تهران، انتشارات آگاه.
ترازنامه انرژی کشور سال ۱۳۹۷. (۱۳۹۹). وزارت نیروی جمهوری اسلامی ایران، معاونت امور برق و انرژی، دفتر برنامه‌ریزی و اقتصاد کلان برق و انرژی.

جعفری‌نیا، عباس. (۱۳۹۸). تحلیل شاخص‌های قدرت نظامی واحدهای سیاسی - جغرافیایی در عرصه نظام بین‌الملل، فصلنامه علمی - پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۳۳ (۳)، ۴۴۵-۴۶۵.

حافظنیا، محمدرضا. و کاویانی راد، مراد. (۱۳۹۲). افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، تهران: سمت، چاپ چهارم.

حافظنیا، محمدرضا. (۱۴۰۱). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک (ویرایش جدید). مشهد: پاپلی، چاپ چهاردهم.

حکیمی‌ها، سعید. و هفتانی، مهدی. (۱۳۹۴). تجارت بین‌المللی تسلیحات در چارچوب مقررات سازمان تجارت جهانی و استثنائات امنیتی آن، مجله سیاست دفاعی. ۲۳ (۹۲). ۱۵۸-۱۲۵.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۸). بیانات مراسم ششمین دوره فرماندهی و ستاد دانشگاه امام حسین (ع)، پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.

خانی جوی‌آباد، محمود. (۱۳۹۹). اقتصاد سیاسی و سیاست خارجی، تهران: دنیای اقتصاد.

دل‌فروز، محمدتقی. (۱۳۹۹). دولت و توسعه اقتصادی/اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا، تهران: آگاه.

دولت‌آبادی، محسن. و شفیعی سیف‌آبادی. (۱۴۰۰). سیاست خارجی ایران؛ از سال ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۰؛ نگاهی از درون، تهران: کتاب پولیتیا.

ر، بال؛ وب، آلن. و پیترز، گای. (۱۳۹۵). سیاست و حکومت جدید، مترجم: عبدالرحمن عالم، تهران.

رستمی، محمود. (۱۳۸۶). فرهنگ واژه‌های نظامی، تهران: چاپ ممتاز.

سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۷)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی و سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران.

سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تحولات راهبردی. (۱۳۹۸-۱۳۹۹)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی - غیرانتفاعی.

ستاری‌خواه، علی. (۱۳۹۸). آینده‌پژوهی و سناریونویسی کاربردی، ویرایش دوم، تهران: دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران.

سری زمانی نماگرها و شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۵۵ سال کشور. (۱۳۹۹). تهران: مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران.

سلیمی، حسین. (۱۳۹۶). نظریه‌های گوناگون درباره جهانی‌شدن، تهران: سمت، چاپ پنجم. صادقی، حسین. فرامرزی، هادی. و خلج زاده، مهدی. (۱۳۹۹). مقدمه‌ای بر اقتصاد سیاسی

ایران در سایه تحریم، تهران: نور علم.

قاضی‌زاده، علیرضا. (۱۳۹۹). مبانی امنیت ملی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات راهبردی - ابرار معاصر تهران.

قاضی‌زاده، علیرضا. (۱۴۰۰). مسائل راهبردی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: وزارت علوم و تحقیقات و فناوری با مشارکت پژوهشکده مطالعات راهبردی.

قامت، جعفر. (۱۳۹۴). منافع ملی و امنیت ملی، تهران: قومس.

کرونین، استفانی. (۱۳۹۴). ارتش و دولت‌سازی در خاورمیانه مدرن، ترجمه: علی بابایی، غلامرضا، تهران: وزارت امور خارجه.

کرونین، استفانی. (۱۳۹۸). ارتش و حکومت پهلوی، ترجمه: علی بابایی، غلامرضا، تهران: خجسته.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۹). پیامدهای مدرنیته، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز، چاپ دهم.

گیلپین، رابرت. پل، دارل. و لئونارد، سیبروک. (۱۳۹۶). مرزهای نو در اقتصاد سیاسی بین-الملل، ترجمه: طیب، علیرضا، تهران: چاپ بخش.

لارسون، توماس. و دیوید، اسکیدمور. (۱۳۹۳). اقتصاد سیاسی بین‌الملل (تلاش برای کسب قدرت و ثروت)، ترجمه: ساعی، احمد و مهدی تقوی، تهران: قومس، چاپ ششم.

متقی، ابراهیم. و فاطمه، ادهمیان. (۱۳۸۷). سیاست‌های دفاعی و راهبرد تسلیحاتی جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات راهبرد دفاعی، تهران: ۲ (۱۶).

محمدرضا، مهدی. (۱۳۹۶). مجتمع نظامی - صنعتی، چگونگی شکل‌گیری، بین‌المللی شدن و پیامدها، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول.

مروی، علی؛ شایسته، افسانه. (۱۴۰۰). اقتصاد تحریم (بررسی تحریم‌های اقتصادی در جهان و اقتصاد تحریم و پساتحریم در ایران، تهران: آردن.

میرترابی، سعید. (۱۳۹۳). درآمدی بر اقتصاد سیاسی نفت و مسائل نفت ایران، تهران: قومس، چاپ سوم.

میرشایمر، جان. (۱۳۹۶). تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، ترجمه: غلامعلی چگنی‌زاده، تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ج.ا.ایران، چاپ پنجم.

نجفی، سجاد؛ یزدان پناه درو، کیومرث؛ پیشگاهی فرد، زهرا؛ بدیعی ازندهی، مرجان. (۱۳۹۹). تبیین مهم‌ترین نیروهای پیشران تأثیرگذار بر قدرت دفاعی ایران در افق ۱۴۱۰، فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی. ۵ (۱۶)، ۸۷-۶۳.

نیلی، مسعود. (۱۳۹۶). اقتصاد ایران به کدام سو می‌رود؟ تهران: دنیای اقتصاد، چاپ دوم.

هادی‌زنوز، بهروز. (۱۳۹۸). تحلیل تحریم‌های بین‌المللی ایران، تهران: اقتصاد فردا، چاپ سوم.

Beckley, Michael. (2010). Economic Development and Military Effectiveness, *The Journal of Strategic Studies*, 33:1, 43-79, DOI: 10.1080/01402391003603581.

- Bellais, Renaud. (2013). Technology and the Defense Industry: Real Threats, Bad Habits, Or New (Market) Opportunitites? <https://www.cairn.info/revue-journal-of-innovation-economics-2013-2-page59-78>.
- Braun, Virginia; Victoria, Clarke. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2):83.
- Feffer, John (2022), *Globalization & Militarization*, [https:// ips-dc. Org](https://ips-dc.org).
- Gill, Bates. (1998). China's Arms Exports to IRAN and U.S. – China Relation, *Monterry Institute of International Studies: East Review of International Affairs*, Vol. 2No. 2/May 1998.
- Holsti, O.R. (1969). *Content analysis for the social sciences and humanities*, Reading, MA: Addison – Wesley.
- Investopedia.com: by: Adam Hayes updated May 05,2022 *Reviwed by Erika Rasure*.
- Irاندوست, Manuchehr. (2017). *Militarism and globalization: Is there an empirical link?* This article is an open access publication.
- Lamrani, Omar. (2020). Iran,s Conventional Military Capabilities, [https://www. Newlinesinstitute.org](https://www.Newlinesinstitute.org).
- Laurence S, Moss. (1967). The Power Elite Revisited. *Left and Right: Journal of Libertarian Thought*, Vol. 3, No. 3, p 40.
- Maersheimer, J.J. (1994/5). The False Promise of International Institutions, *International Security*, 19 (3): 5-49.
- O. Goldman Emily, Leo J, Blanken. (2012), *THE ECONOMIC FOUNDATIONS OF MILITARY POWER*, University of California-Davis.
- S. Helal, Mohamed. (2019). *Anarchy, ordering principles and the constitute regime of the international system*, Published online by Cambridge University, Volume 8, Issue 3.
- Staples, Steven, The relationship between globalization and militarism, *Social Justice*, San Francisco Vol 27, Iss 4 (2000): 18-23.
- Stokes, Eddie. (2019). *globalization and the diffusion of military capabilities, A thesis: Master of Arts in Political Science*, Boise State University.
- United States Department of Defense. (2023). *ANNUAL THREAT ASSESSMENT OF THE U.S. INTELLIGENCE COMMUNITY*.
- Waterman, Kit David. (2018). *The Political Economy of U.S. Military Strategy, the University of Exeter as a thesis for the degree of Doctor of Philosophy in Politics*.